مسئولیت دولت اسلامی در اقتصاد خانواده

فاطمه سادات علوی[1]
احمد احمدی‌تبار[2]
مصطفی جعفرپیشه[3]

چکیده

دولت اسلامی، وظایفی مهمی در مدیریت اقتصاد خانواده، به‌عنوان مهم ترین نهاد اجتماعی بر عهده دارد و جستار حاضر، این مسئولیت را کنکاش می‌کند. این پژوهش به روش کیفی و بر اساس پژوهش‌های پیشین و آرای صاحبنظران، صورت گرفت و ضمن انجام مصاحبه نیمه ساختاریافته و هدفمند با ۱۳ نفر از متخصصان، داده‌ها به روش گراندد تئوری، جمع آوری و کدگذاری گردید. بر این اساس، ۹۶ کد اولیه، ۳۵ طبقه اولیه، ۱۲ زیرطبقه و ۳ طبقه اصلی استخراج گردید. دولت اسلامی در زمینه اقتصاد خانواده، در سه بخش درآمدزایی خانواده، هزینه‌های خانواده و تقنین و اصلاح قوانین می‌تواند اقدامات خود را لحاظ کند. مفاهیم زیرطبقات عبارتند از: هماهنگی نظام آموزشی

---

۱. دانش‌آموخته سطح ۳ رشته فقه و اصول حوزه علمیه و دانشجوی دکتری آموزش و بهداشت و ارتقاء سلامت، دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران (نویسنده مسئول)؛ fatemehsadataalavi@yahoo.com

۲. دکترای تخصصی گروه فقه خانواده، فقه و اصول، استاد حوزه جامعة المصطفیﷺ العالمیه، قم، ایران؛ ahmad.ahmadi@gmail.com

۳. دکترای تخصصی، استادیار و عضو هیئت علمی جامعة المصطفیﷺ العالمیه، استاد گروه فقه و اصول، قم، ایران؛ feqh.edu@jz.ac.ir

با نظام اقتصادی، تدوین نظام آموزشی و مهارتی خانواده محور در سطوح مختلف، مهارت افزایی اعضای خانواده توسط رسانه های جمعی، ایجاد زیرساخت های اقتصادی، فرهنگ سازی دستیابی به رزق حلال، اجرای عدالت اجتماعی به منظور زمینه سازی درآمدزایی کارآمدتر، ترویج فرهنگ نوع دوستی و همدلی، سیاستگذاری متناسب با آموزه های اسلامی در حوزه اشتغال زنان، گسترش نهادهای تخصصی، ایجاد پژوهشکده‌ای برای یافتن راهکارهای درآمدزایی مؤثر و کارآمد، فرهنگ سازی الگوی مصرف متناسب با آموزه های اسلامی، اتخاذ تدابیر مناسب برای نظارت بر حسن اجرای قوانین به منظور رفع مشکلات اقتصادی خانواده. یافته ها نشان داد که فرآیند بهبود راهبردهای اقتصادی برای تحکیم نظام خانواده و جامعه اسلامی، بسیار پیچیده و متأثر از عوامل متعدد است و نیاز به فعالیت در زمینه های مختلف آموزشی، پژوهشی، رسانه‌ای، اجتماعی و فرهنگی است. کوتاهی دولت اسلامی دراین‌زمینه، موجب ناهنجاری ها و نابسامانی هایی است که هویت فردی و اجتماعی افراد و تعالی جامعه را به چالش خواهد کشاند.

واژگان کلیدی: مسئولیت، دولت اسلامی، اقتصاد خانواده، خانواده، تحکیم نظام، استحکام، رشد حقیقی انسان.

۱. بیان مسئله

در دیدگاه اسلام، اقدام به تشکیل خانواده، ساختن دوست‌داشتنی‌ترین نهاد اجتماعی است (حر عاملی، ۱۴۱۴، ج۲۰، ص۱۴، ح۲۴۹۰۱)؛ چراکه خانواده، برای تحقق آرمان‌های اسلام، ویژگی‌هایی غیر قابل انکار دارد. در نگاه اسلام، ازدواج، مسیر دین‌داری و سعادت حقیقی را هموار می‌کند (همان، ص۱۹، ح۲۴۹۱۵ و ج۲۰، ص۱۶۵، ح۲۵۳۱۸). دوری از ازدواج به دلیل ترس از فقر، نتیجه حیله‌ای شیطانی برای گسترش فحشا در جامعه است. (همان، ج۲۰، ص۴۲، ح۲۴۹۸۳ ـ ۲۴۹۸۴ و ص۴۳، ح۲۴۹۸۶)

در آموزه‌های اسلامی، به‌منظور تحکیم نظام خانواده، صرفاً به توصیه‌های اخلاقی و تبیین ارزش‌های معنوی بسنده نشده و یک‌سری وظایف اجتماعی نیز در نظر گرفته که دولت اسلامی موظف به اجرای آنها است.

دولت اسلامی به نیابت از امام معصوم علیه‌السلام، در راستای حاکمیت بخشیدن به شریعت اسلامی، به‌ویژه عملی شدن امربه‌معروف و نهی‌ازمنکر، عقلاً و شرعاً موظف است از نظام خانواده به طرق مختلف حمایت کند تا رشد کامل انسان، در راستای اهداف متعالی اسلام محقق شود و این مهم، یکی از وظایف اولیه دولت به‌عنوان یک واجب عقلی، شرعی و قانونی است.

مسئولین حکومت اسلامی، در زمینه حل مشکلات اقتصادی خانواده، باید سبک زندگی بر اساس آموزه‌های اسلامی را، منش خود و خانواده خود و جامعه قرار دهند. همچنین دولت اسلامی، با کمک رسانه‌های جمعی و فرا رسانه‌ها، بر اساس آموزه‌های اسلامی، باید سبک زندگی اسلامی را فرهنگ‌سازی کند. این موضوع می‌تواند جلوی ایجاد و رشد بسیاری از منکرات را در جامعه بگیرد. نتیجه تعالی خانواده، رشد همه‌جانبه انسانیت و ایجاد جامعه سالم و ارزشی است. همچنین دولت اسلامی با تقنین و اصلاح قوانین سازمانی و کشوری می‌تواند بسیاری از مشکلات اقتصادی خانواده‌ها را حل کند تا افراد جامعه بتوانند در مسیر تعالی و کرامت انسانی پیش بروند

و زمینه حکومت حضرت مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف مهیا شود. بر این اساس، سؤال اصلی تحقیق، این است که دولت اسلامی در مقابل اقتصاد خانواده چه وظایفی بر عهده دارد؟

۲. مبانی نظری

۲ـ۱. اهمیت خانواده در اسلام

اسلام به تزویج بی‌همسران فرمان داده است: «بی‌همسرانتان را همسر دهید. اگر فقیر باشند، خداوند از فضل خود، آنان را بی‌نیاز می‌گرداند» (نور:۳۲). از این آیه، لزوم بسیج عمومی برای تزویج بی‌همسران، قابل استنباط است (هدایت‌نیا گنجی، ۱۳۹۵، ص۱۵۰). اسلام همچنین واسطه‌گری و آسان‌سازی ازدواج جوانان را ارج نهاده است. رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود: «زَوِّجُوا أیاماکُم ، فَإنَّ اللهَ یُحَسِّنَ لَهُم في أخلاقِهِم و یُوَسِّعُ لَهُم في أرزاقِهِم و یَزیدهُمُ في مُرُوّاتِهِم؛ بی‌همسران خود را همسر دهید که خداوند اخلاق ایشان را نیکو می‌کند و روزی‌شان را افزایش می‌دهد و بر مروت آنها می‌افزاید». (مجلسی، ۱۴۰۳، ج۱۰۰، ص۲۲۲)

نصوص فراوانی درباره لزوم همسرگزینی و تقبیح مجردزیستی وارد شده است. پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌فرماید: «شراركم عزابكم و العزاب اخوان الشياطين» (نوری محدث، ۱۴۰۸، ج۱۴، ص۱۵۶). مبتنی بر این منابع دینی، اغلب فقها، حکم اولی ازدواج را مستحب، بلکه مستحب مؤکد دانسته‌اند (فاضل مقداد، ۱۴۲۲، ج۲، ص۱۳۶ و طوسی، ۱۳۷۸، ج۴، ص۱۹۳)؛ اعم از اینکه شخص نسبت به آن شوق داشته باشد یا بی‌میل باشد (طباطبایی یزدی، ۱۴۰۹، ج۲، ص۷۹۵؛ طوسی، ۱۳۸۸، ج۴، ص۲۴۵ و خمینی، ۱۳۸۷، ج۲، ص۲۳۶). استحباب نفسی نکاح، نظر مشهور فقهاست (حلی، ۱۴۰۸، ج۲، ص۲۱۰ و شهید ثانی، ۱۴۱۶، ج۷، ص۱۰)؛ بلکه بعضی در مورد آن ادعای اجماع کرده‌اند (طباطبایی یزدی، ۱۴۰۹، ج۲، ص۷۹۵ و طوسی، ۱۳۸۸، ج۴، ص۲۴۵). گروه دیگری آن را با فرض شوق و میل، مستحب دانسته‌اند، مانند محقق که می‌نویسد: النکاح مستحب لمن تاقت نفسه (حلی، ج۲، ص۲۱۰). صاحب جواهر می‌فرماید: النکاح مشروع، بل مستحب لمن تاقت و اشتاقت نفسه الیه (نجفی، ۱۴۳۰، ج۲۹، ص۸). وی نکاح را برای مشتاق، به اجماع منقول و محصل مسلمانان، مستحب می‌داند؛ بلکه

می‌گوید: استحباب آن، ضروری مذهب، بلکه ضروری دین است (همان). بعضی از این پیش‌تر رفته و نکاح را فی‌نفسه واجب شمرده‌اند. شیخ طوسی و بعضی دیگر از داود نقل کرده‌اند که وی نکاح را بر مرد و زن واجب می‌داند: «و قال داود: النکاح واجب، فمن قدر علی طول حره، وجب علیه ان ینکح حره و من لم یقدر علیه، وجب علیه ان ینکح امه و کذلک المراه یجب علیها ان تتزوج». (شیخ طوسی، ۱۳۷۸ ج۴، ص۲۴۶)

تسریع در ازدواج برای دختران، دلیل خاص روایی دارد. جبرئیل بر پیامبر اکرم ﷺ نازل شد و گفت: ای محمد! خداوند بر تو سلام می‌فرستد و می‌گوید: دختران به‌منزله میوه درخت‌اند، پس زمانی که میوه برسد، چاره‌ای جز چیدن برای آن نیست والّا خورشید آن را فاسد می‌کند و وزش بادها آن را تغییر می‌دهد. همانا وقتی دختران از نظر ادراک جنسی مانند زن‌ها شدند، چاره‌ای جز شوهر کردن برای آنان نیست، والّا از فتنه ایمن نیستند (مجلسی، ۱۴۰۳، ج۱۶، ص۲۲۳). استحباب نفسی ازدواج در اسلام، ناشی از کارکرد ویژه خانواده در زمینه رشد فردی و اجتماعی و هموار شدن رشد معنوی و حقیقی انسان‌ها در رسیدن به سعادت حقیقی است.

۲ـ۲. اقتصاد خانواده

همت دین این است که در روابط زناشویی، پیوسته نشاط برقرار باشد و استهلاک قوا و تنش‌ها به پایین‌ترین حد برسد. همچنین دین اسلام می‌کوشد تا به گونه‌ای زمینه‌سازی کند که خانواده به‌جای وابستگی به اعانه‌های مردمی و دولتی، در حد امکان، خود در حل مشکلات داخلی توانمند شود. امروزه بسیاری از محققان بر این عقیده‌اند که سیاست و رویکرد دولت‌محوری، بیش از هر چیز، به ناتوانی خانواده در حل مشکلات خود می‌انجامد و بر دامنه مشکلات آن افزوده است (حق‌شناس، ۱۳۸۸، ص۱۰۴). آنچه از متون دینی برداشت می‌شود این است که حمایت باید به صورتی باشد که به تحکیم نظام خانواده منجر شود؛ به طوری که خانواده تا حد امکان بتواند مشکلات داخلی خود را بر پایه توانمندی‌های خود حل کند (حرّ عاملی، ۱۴۱۴، ج۲۱، ص۵۳۰، ح۲۷۷۷۴ و پاینده، ۱۳۲۴،

ص۶۹۸، ح۲۶۳۰). البته هرگاه که خانواده در حل مشکلات خود ناتوان شود، مسئولیت حمایت و کمک بر عهده دیگران قرار خواهد گرفت. (مجلسی، ۱۴۰۳، ج۷۴، ص۳۸۹، ح۲)

درصورتی‌که افراد به‌درستی در خانواده حمایت شوند و مهارت‌های لازم را فراگیرند، تا حد زیادی می‌توانند از خود در برابر تهاجم‌های اقتصادی، سیاسی و فرهنگی مراقبت کنند و می‌کوشند تا ارزش‌های مورد نظر خود را به نسل آینده منتقل سازند. اقتصاد خانواده در اسلام، یکی از اساسی‌ترین شاخه‌های علوم اجتماعی است که سعی می‌کند با افزایش بهره‌وری در خانواده، بین امکانات و نیازهای خانواده در زمان و مکان، هماهنگی ایجاد کند (ملکی، ۱۳۹۰، ص۷۹). وضعیت اقتصادی، مستقیماً بر خانواده اثر می‌گذارد و دولت اسلامی با توجه به قاعده حفظ نظام و ضرورت اجرای احکام اسلام، واجب است از نظام خانواده حمایت کند؛ زیرا در غیر این صورت، خانواده با چالش‌های بسیاری از جمله فقر، بیکاری، رشد مهاجرت، طلاق و بزهکاری مواجه خواهد شد و ایجاد خانواده‌های متزلزل، پایه‌های نظام اسلامی را سست خواهد کرد.

در آیه ۱۴۱ سوره نساء می‌خوانیم: ﴿وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا﴾؛ «و خداوند هیچ‌گاه برای کافران نسبت به اهل ایمان راه تسلّط بازنخواهد نمود». از پیام‌های این آیه می‌توان به این موارد اشاره کرد که دولت اسلامی باید طوری برنامه‌ریزی کند که کفّار از سلطه بر مؤمنان برای همیشه مأیوس باشند. مؤمنان، حقِ پذیرفتن سلطه کافران را ندارند و سلطه‌پذیری، نشانه نداشتن ایمان واقعی است. هر طرح، عهدنامه، رفت و آمد و قراردادی که راه نفوذ کفّار بر مسلمانان را باز کند، حرام است. پس مسلمانان باید در تمام جهات سیاسی، نظامی، اقتصادی و فرهنگی، از استقلال کامل برخوردار باشند (قرائتی، ۱۳۸۳، ج۲، ص۱۹۱). لذا دولت اسلامی به‌منظور سربلندی نظام اسلامی، باید در رفع مشکلات زندگی مردم به‌ویژه مشکلات اقتصادی، تلاش کند و مقدمات استقلال کشور اسلامی را مهیا کند تا زمینه ظهور حکومت حضرت مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف مهیا شود. اقتصاد خانواده به طور مستقیم و غیرمستقیم بر تحکیم نظام خانواده مؤثر است.

از نظر اسلام، اقتصاد و امور مربوط به آن، وسیله و ابزاری برای رفع نیازهای انسان است. بنابراین، از آن جز کارایی بهتر در راه وصول به هدف، که همانا رشد و تکامل انسان و رسیدن به لقاءالله است، نمی‌توان انتظار داشت (خلیلیان اشکذری، ۱۳۸۰ و خلیلیان‌اشکذری، ۲۰۰۷).

امام رضا علیه‌السلام فرمودند: لا یَستَکمِلُ عَبدُ حَقیقَةَ الإیمانِ حَتّی تَکوُنَ فیه خِصالُ ثَلاثُ: التَفَقُّهُ فِی الدّینِ، وَ حُسنُ تَقدیرِ المَعیشَهِ، و الصَّبُر عَلی الرزَّایا؛ هیچ بنده‌ای به مرتبه‌ی حقیقت ایمان نمی‌رسد، مگر این که این سه خصلت در او باشد: دین شناسی، تدبیر و برنامه‌ریزی نیکو در زندگی، و شکیبایی بر سختی‌ها و ناملایمات (حرانی، ص ۴۴۶). از مفاهیمی که از این حدیث برداشت می‌شود این است که برای داشتن تدبیر و برنامه ریزی نیکو در زندگی، تنظیم نقشه اقتصادی صحیح و کامل لازم است، از طرف دیگر باید به معارف و دیدگاه‌های اسلام، تسلط داشته و برای رسیدن به اهداف اقتصادی، صبر و تحمل همگام با پشتکار باید، وجود داشته باشد.

۳. روش پژوهش

در این مطالعه به‌منظور بررسی عوامل مرتبط با راهبردهای تربیتی و اجرایی، از روش کیفی (گراندد تئوری) استفاده شد. از میان متخصصان و اساتید حوزه و دانشگاه مقیم شهر قم و تهران، با روش نمونه‌گیری هدفمند، نمونه‌ای شامل ۱۳ نفر با سن بالای ۳۵ سال انتخاب شدند که حداقل ۵ سال سابقه کار در واحدهای حوزوی، اجرایی و دانشگاهی داشتند. (جدول ۱)

جدول ۱: ویژگی‌های دموگرافیک مصاحبه شده‌ها

	متغیرها	تعداد	درصد
جنس	زن	۵	۳۸/۴۶
	مرد	۸	۶۱/۵۳
سن	۴۱ _ ۳۵	۱	۷/۶۹
	۵۰ _ ۴۱	۴	۳۰/۷۶
	۶۰ _ ۵۱	۶	۴۶/۱۵
	۷۰ _ ۶۱	۲	۱۵/۳۸
تحصیلات	سطح ۴ حوزه	۶	۴۶/۱۵
	دکتری روان‌شناسی	۳	۲۳/۰۷
	دکتری جامعه‌شناسی	۴	۳۰/۷۶

در مطالعه کیفی به روش مبنایی (گرندد تئوری)، با یافتن رابطه بین مفاهیم، مدل‌های مفهومی استخراج می‌شود که این مدل‌ها بیشتر به روش استقرایی (از جزء به کل) به دست می‌آید. در روش مبنایی، تجزیه و تحلیل داده‌ها، از همان زمان جمع‌آوری اطلاعات صورت می‌گیرد و مدل مفهومی، از بطن آن مطالعه بیرون می‌آید. تولید نظریه در نظریه مبنایی، بر اساس کار با داده‌ها صورت می‌گیرد. در واقع، پژوهشگر با یک یا چند سؤال پژوهشی، به میدان تحقیق می‌رود و از دل داده‌ها، نظریه‌ای را بیرون می‌کشد. در اینجا نیز نمونه‌گیری تا رسیدن به اشباع نظری ادامه می‌یابد و اطلاعات در سه مرحله، کدگذاری می‌شوند (کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری انتخابی). (استربرگ، ۱۳۸۴، ص۹۶ _ ۹۸؛ مارشال و گرچن، ۱۳۷۷، ص۵۹ و فلیک، ۱۳۸۷، ص۵۶)

روش جمع‌آوری داده‌ها، به‌صورت مصاحبه نیمه‌ساختاریافته و یادداشت‌های در عرصه بود و از مصاحبه‌شوندگان درخواست شد که چالش‌های اقتصادی مورد نظر خود را بیان کنند. گفتگو به‌تدریج بر فرآیند راهکارهای اقتصادی متناسب با

آموزه‌های اسلامی متمرکز شد و سؤالاتی مانند «لطفاً تجربیات ذهنی خود را شرح دهید» و در صورت نیاز، سؤالات کاوشی نظیر «می‌توانید بیشتر توضیح دهید؟» یا «یک مثال بزنید»، مورد استفاده قرار گرفت. پژوهشگر تلاش کرد تا حد امکان، سخن مصاحبه‌شوندگان را قطع نکند. هر مصاحبه، ۴۵ تا ۹۰ دقیقه به طول انجامید. مصاحبه‌ها ضبط شده و با تایپ کلمه به کلمه، رونوشتی از آن تهیه شد و داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار MAXQDA، کدگذاری شدند. با مقایسه مستمر و تفسیر داده‌ها، مفهوم‌سازی انجام شد و سپس مقولات انتزاعی‌تری استخراج گردید. (کدگذاری محوری و در نهایت، کدگذاری انتخابی)

اطمینان از صحت و استحکام تحقیق با استفاده از معیارهای لینکلن و گوبا انجام گرفت. به‌منظور افزایش اعتبار داده‌ها، از تحلیل هم‌زمان با جمع‌آوری داده‌ها و انجام نمونه‌گیری هدفمند با حداکثر تنوع تا رسیدن به اشباع نظری استفاده شد. در این مطالعه، ملاحظات اخلاقی لازم، از جمله حق مشارکت داوطلبانه، حفظ حریم شخصی مشارکت‌کنندگان و دادن اطمینان به محرمانه ماندن اطلاعات آنان رعایت شده است.

۴. یافته‌ها

در این مطالعه، ۹۶ کد اولیه، ۳۵ طبقه اولیه و ۱۲ زیرطبقه و ۳ طبقه اصلی استخراج گردید.

دولت اسلامی به نیابت از امام معصوم علیه‌السلام با توجه به قاعده تحکیم نظام و وجوب اجرای تکلیف امربه‌معروف و نهی‌ازمنکر، در زمینه اقتصاد خانواده، در سه بخش درآمدزایی خانواده، هزینه‌های خانواده و تقنین و اصلاح قوانین می‌تواند اقدامات خود را لحاظ کند. مفاهیم موجود در زیرطبقات عبارتند از:

هماهنگی نظام آموزشی با نظام اقتصادی؛ تدوین نظام آموزشی و مهارتی خانواده‌محور در سطوح مختلف؛ مهارت‌افزایی اعضای خانواده از طریق رسانه‌های جمعی؛ ایجاد زیرساخت‌های اقتصادی؛ فرهنگ‌سازی دستیابی به رزق حلال از

طریق رسانه‌ها و فرا رسانه‌های جمعی؛ اجرای عدالت اجتماعی به‌منظور زمینه‌سازی درآمدزایی کارآمدتر؛ ترویج فرهنگ نوع‌دوستی و همدلی (ترویج منفعت عامه بر منفعت شخصی)؛ سیاست‌گذاری متناسب با آموزه‌های اسلامی در حوزه اشتغال زنان با توجه به اصل اقتدار مدیریتی مردان در نظام خانواده؛ گسترش نهادهای تخصصی؛ ایجاد پژوهشکده‌های گوناگون متشکل از اساتید حوزه و دانشگاه به‌منظور تفحص و یافتن راهکار برای درآمدزایی مؤثر و کارآمدتر؛ فرهنگ‌سازی الگوی مصرف متناسب با آموزه‌های اسلامی؛ اتخاذ تدابیر مناسب برای نظارت بر حسن اجرای قوانین به‌منظور رفع مشکلات اقتصادی خانواده.

در مورد هریک از مقوله‌ها، با توجه به آیات و روایات، تحلیل‌های لازم انجام شد که در ادامه خواهد آمد.

۵. ارائه الگوی اقتصادی پیشنهادی در رابطه با مسئولیت دولت اسلامی در قبال نظام خانواده

نتایج پژوهش نشان داد که دولت اسلامی در سه بخش درآمدزایی خانواده، هزینه‌های خانواده و تقنین و اصلاح قوانین، می‌تواند اقدامات خود را لحاظ کند که با روش داده بنیاد در این سه حوزه، ۱۲ زیرطبقه به دست آمد. شکل ۲ و ۳، الگوی مفهومی حاصل پژوهش را نشان می‌دهد.

شکل ۲: مدل مفهومی پیشنهادی پژوهش



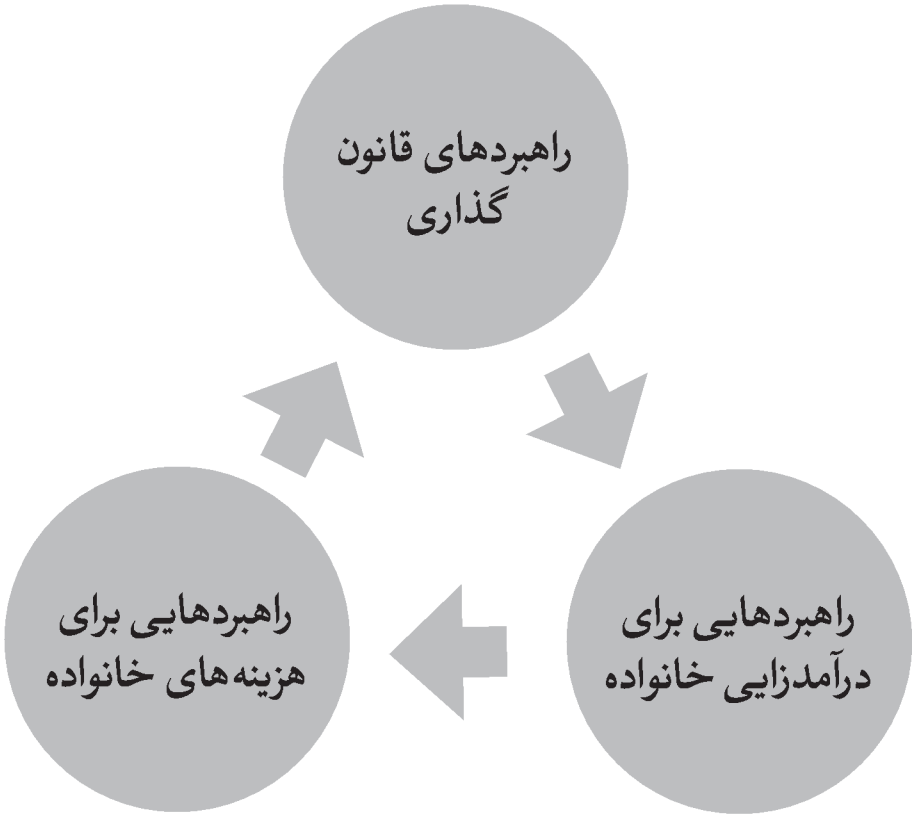

شکل ۳: الگوی نشان‌دهنده ارتباط سه طبقه اصلی

۶. تبیین الگو و تعیین نقش دولت در قبال اقتصاد نظام خانواده

نتایج پژوهش نشان داد که دولت اسلامی می‌تواند در سه بخش اصلی اقتصاد خانواده، یعنی درآمدزایی خانواده، هزینه‌های خانواده و تقنین و اصلاح قوانین، مدیریت خود را اعمال کند و ازآنجاکه بسیاری از این راهبردها، در بخش‌های دیگر نیز مؤثر می‌باشند، دسته‌بندی در تبیین الگو به شکل دیگری انجام شده است.

۱ـ۶. درآمدزایی خانواده

ساختار خانواده در اسلام، مبتنی بر سلسله‌مراتب طولی است. یکی از مهم‌ترین دلایل چنین ساختاری، وجود اختلافات روحی و جسمی زن و مرد و توانمندی مرد در مدیریت و سرپرستی خانواده است. اگر این ساختار حفظ شود و احترام، همفکری، محبت،

عشـق و صداقت وجود داشـته باشد، بسیاری از مشـکلات خانوادگی حل خواهد شد. اصل اقتدار مدیریتی شـوهر بر همسـر، از آیه ۳۴ سـوره نساء برداشت می‌شود که مفهوم آیه می‌تواند بیانگر مسئولیت شوهر در تأمین نیازهای همسر و حمایت و حراست از او همراه با نظارت و کنترل باشد.

با توجه به قاعده تحکیم نظام، بر دولت اسلامی واجب است زمینه درآمدزایی مرد را در خانواده مهیا کند، یعنی ایجاد اشتغال نماید و نظام درآمدی متناسب با نیازهای خانوده را در حد اعتدال فراهم آورد.

همچنیـن لازم اسـت حکومت اسـلامی برای حفظ نظـام خانواده و تحکیـم نظام، با انجام نیازسـنجی، راهکارهای گوناگون برای حل معضل بیکاری و مشـکلات اقتصادی جامعه را بیابد و با توجه به آموزه‌های دین اسلام، برنامه‌ریزی کند. در مجموع، قانون اساسی جمهوری اسلامی، هفت هدف اصلی را در بخش اقتصاد و امور مالی دنبال می‌کند:

- مبـارزه بـا فقر و تأمین نیازهای اساسـی در پرتو کار خـلاق و ارزش افزوده‌ای که در جامعه تولید می‌شود. (اصل ۴۳ قانون اساسی)
- آزاد نگه داشتن بخشی از وقت انسان برای اینکه فرصتی مناسب برای خودسازی و رشد انسانی و تعالی معنوی داشته باشد.
- اعتدال در مصرف، مبارزه با اسـراف و نفی هر نوع بهره‌برداری تخریبی نسـبت به امکاناتـی کـه خداونـد در این طبیعت بـرای زندگی انسـان‌ها در اختیار همگان قرار داده است.
- حفـظ آزادی و کرامـت انسـانی در حیطـه اقتصـاد، تـا انسـان، بـرده سـرمایه‌داری خصوصی یا دولتی نشود و آزادی و کرامت او در رابطه با عامل اقتصاد حفظ گردد.
- تأکیـد بر اسـتقلال اقتصادی کشـور تـا جامعه از نظـر اقتصادی، خودکفا باشـد؛ زیرا وابستگی اقتصادی، زیربنا و ریشه وابستگی‌های دیگر است که با استقلال جامعه اسلامی، سازگار نیست. (اصل ۴۴ قانون اساسی)

- برقراری عدالت اقتصادی در استفاده از بیت‌المال و منابع طبیعی و جلوگیری از چپاول عده‌ای خاص. (خلیلیان اشکذری، ۱۳۸۰)
- برخورداری از تأمین اجتماعی.

۱ـ۱ـ۶. هماهنگی نظام آموزشی با نظام اقتصادی

با توجه به قاعده تحکیم نظام و جلوگیری از وارد شدن ضرر و خلل به نظام اسلامی، لازم است دولت اسلامی طوری برنامه‌ریزی کند تا نظام آموزشی، با نظام اقتصادی، هماهنگ باشد. هماهنگی نظام آموزشی با نظام اقتصادی در جامعه اسلامی در واقع، تضمین‌کننده آینده شغلی افراد است که این مسئله به طور غیرمستقیم بر تحکیم نظام خانواده مؤثر است.

از اهداف مهم نظام اقتصادی اسلام، پرهیز از وابستگی اقتصادی (مائده:۵۷) و به تعبیر دیگر، حفظ استقلال اقتصادی است. قرآن می‌فرماید: به کسانی که به شما ستم کرده‌اند دل نبندید و میل و تکیه نکنید (هود:۱۱۳)؛ زیرا اسلام و اهل ایمان برترند (آل عمران:۱۳۹) و خداوند برای کافران، هیچ راهی به زیان مومنان نگشوده است (نساء:۱۴۱). روشن است که این مهم جز در پرتو خودکفایی اقتصادی به دست نمی‌آید و چون استقلال نظام اقتصادی کشور، رابطه نزدیکی با پویایی نظام آموزشی کشور دارد، لذا نظام آموزشی باید افراد را مطابق با نیازهای اقتصادی کشور تربیت کند تا آینده شغلی آنها تضمین شود. بدیهی است که نتیجه آن، تقویت و تحکیم نظام خانواده است؛ زیرا این مسئله، روحیه نشاط و سازندگی را در کشور گسترش می‌دهد و باعث استقلال و تحکیم کشور و نظام حکومت اسلامی می‌شود. البته در دنیای امروز و در عصر ارتباطات، نمی‌توان باب ارتباط کشور با دیگران را بست و با دیگر کشورها داد و ستد نداشت، ولی این رابطه باید با حفظ هویت و عزت اسلامی صورت گیرد.

۲ـ۱ـ۶. ایجاد زیرساخت‌های اقتصادی

کسب درآمد در جامعه، نیازمند زیرساخت‌های اقتصادی و تولیدی است و هرچه این زیرساخت‌ها، علمی‌تر و اصولی‌تر بوده و مدیریتی قوی و اسلامی با نگرشی اخروی داشته باشند، افراد زیادی دارای شغل پایدار می‌شوند. زمینه‌سازی این زیرساخت‌ها به طور مستقیم و غیرمستقیم، بر تحکیم نظام خانواده و رفع مشکلات آن تأثیر می‌گذارد. نتیجه تحکیم نظام خانواده، مطابق با آموزه‌های اسلامی، تحکیم نظام اسلامی و زمینه‌سازی حکومت حضرت مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف است. لذا موانع سر راه معیشت مردم باید مرتفع شوند تا افراد در کمال آسایش، امنیت، محبت و سلامت با هم زندگی و در راستای سعادت اخروی رشد کنند.

در آیه ۱۰۵ سوره انبیاء می‌خوانیم: ﴿وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ﴾؛ «و ما در زبور ـ پس از تورات ـ نوشته‌ایم که این زمین را بندگان صالح من به میراث خواهند برد». در واقع این آیه، بیانگر آن است که یکی از پاداش‌های دنیوی صالحان این است که تلاش آنان در تاریخ بی‌نتیجه نمی‌ماند و زمینه‌ساز نجات جوامع بشری می‌شود و ازآنجاکه حکومت جهانی صالحان در گذشته تحقق نیافته است، آیه ۱۰۵ سوره انبیاء، اشاره روشنی به حکومت حضرت مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف دارد.

۳ـ۱ـ۶. فرهنگ‌سازی دستیابی به رزق حلال

با توجه به قاعده تحکیم نظام و به‌منظور جلوگیری از وارد شدن ضرر به نظام اسلامی و همچنین اجرای تکلیف امربه‌معروف و نهی‌ازمنکر، بر دولت اسلامی واجب است موضوع تلاش برای دستیابی به رزق حلال را در جامعه، فرهنگ‌سازی کند. اهمیت اشتغال و کسب درآمد در این است که خانواده، استقلال مالی می‌یابد و اشتغال باعث ارضای بسیاری از نیازهای روانی و اجتماعی انسان می‌شود. کارکردن یکی از روش‌هایی است که انرژی انسان در راه مفید مصرف می‌شود و اگر هدف انسان در اشتغال، هدف اخروی و الهی باشد، این امرار معاش خانواده، جهاد محسوب می‌شود.

روابط اجتماعی با دیگران، همگام با اشتغال بهتر می‌شود (ملکی، ۱۳۹۰، ص۸۳). از طریق کار کردن، فرد خود را جزئی از جامعه می‌داند و احساس مفید بودن در وجود او رشد می‌کند. فرد با کار کردن، به توانایی‌ها، مهارت‌ها و محدودیت‌های خود پی می‌برد و تلاش می‌کند تا مهارت‌های خود را گسترش دهد. اسلام با تأکید بر اینکه رزق، مقسوم و معین است، توجه اصلی انسان‌ها را از ضروریات مادی، به اهداف معنوی و کمالات و زیبایی‌های زندگی معطوف می‌سازد:

﴿وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ إِلَّا عَلَى اللَّهِ رِزْقُهَا وَيَعْلَمُ مُسْتَقَرَّهَا وَمُسْتَوْدَعَهَا كُلٌّ فِي كِتَابٍ مُبِينٍ﴾؛ «و هیچ جنبنده‌ای در زمین نیست، جز آنکه روزی‌اش بر خداست و خدا قرارگاه (منزل دائمی) و آرامش‌گاه (جای موقت) او را می‌داند، و همه احوال خلق در دفتر علم ازلی خدا ثبت است» (هود: ۶). ﴿وَكَأَيِّنْ مِنْ دَابَّةٍ لَا تَحْمِلُ رِزْقَهَا اللَّهُ يَرْزُقُهَا وَإِيَّاكُمْ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ﴾؛ «و (در کار رزق، به خدا توکل کنید نه بر سعی خود که) چه بسیار حیوانات که خود بار روزی خود نکشند، خدا (بدون هیچ کوشش) به آنها و هم به شما روزی می‌رساند، و او شنوا (ی دعای محتاجان) و دانا (به احوال بندگان) است». (عنکبوت:۶۰)

به جز آیات قرآن، احادیث بسیاری از ائمه علیهم‌السلام وجود دارد که از مردم می‌خواهند نگران روزی‌شان نباشند؛ بلکه افکارشان را بلندتر بگیرند، ولی باید تلاش و کوشش خود را انجام دهند و نتیجه را به خدا واگذار کنند و به روزی خود راضی و قانع باشند:

امام حسن عسگری علیه‌السلام می‌فرماید: «گرچه خداوند در نظام حکیمانه آفرینش، روزی مردم را تضمین کرده است، ولی مبادا اندیشه ضمانت خداوند روزی‌دهنده، مغرورتان سازد و شما را از انجام فریضه کار و کوشش بازدارد». (فرید مرتضی، ۱۳۷۴، ج۳، ص۱)

خدا در قرآن مجید در آیه ۳۹ سوره نجم، محصول فعالیت انسان را از آنِ انسان معرفی کرده است: ﴿وَأَنْ لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى﴾؛ «برای انسان، جز آنچه تلاش کرده، (بهره دیگری) نیست» (قرائتی، ج۹، ص۳۳۳). همچنین در آیه ۶۱ سوره هود می‌فرماید: «او خدایی است که شما را از زمین بیافرید و برای عمارت و آباد ساختن آن برگماشت». آنچه از این آیات

و آیات مشابه برداشت می‌شود این است که آباد کردن زمین از وظائف انسان است.

خداوند متعال در آیات ۵ ـ ۶ سوره انشراح می‌فرماید: ﴿فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا﴾؛ «پس همانا با دشواری، آسانی است؛ همانا با دشواری، آسانی است». این آیات مبارکه بیان می‌دارد که آسانی و پیروزی، از دل مشکلات پدید می‌آید و پس از هر سختی، گشایشی خواهد بود.

انسان برای بهره‌مندی از فرصت‌ها باید هر کاری را در موعد مشخصی به انجام برساند و نسبت به زمان و مکان، بصیرت داشته باشد. جهان‌بینی اسلامی، انسان را از بند تمایلات زمینی خارج می‌سازد و در نگرش انسان به زندگی، ایجاد تحول می‌کند. وقتی دیدگاه فرد عوض شود، وی خویشتن را در برابر خود، خانواده و جامعه مسئول می‌داند، پا را فراتر از ارضای نیازهای جسمانی می‌نهد، حل مشکلات دیگران به‌ویژه خانواده را، وظیفه خود می‌داند و در راه خدا، از هیچ تلاش خداپسندانه، رویگردان نیست.

پیامبر اکرم ﷺ از تنبلی و بیکاری متنفر بود و هر روز صبح بعد از نماز دعا نموده و به خدا عرض می نمود: خدایا از سستی، تنبلی، بی نشاطی، اندوه و ناتوانی به تو پناه می‌برم. «إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ كَانَ يَقُولُ بَعْدَ صَلَاةِ الْفَجْرِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْهَمِّ وَ الْحَزَنِ وَ الْعَجْزِ وَ الْكَسَلِ» (شیخ صدوق، ج ۱ ص ۳۳۵)؛ چرا که دلسردی، ملولی، تباهی و نیازمندی، از آفات کاهلی است. انسانی که اساس زندگی را بر بیکاری می‌گذارد، نزد خدا جایگاهی ندارد. پیامبر اکرم ﷺ می‌فرماید: «خدا، جوان بیکار کاهل را دوست ندارد». (نراقی، ۱۴۰۸، ج۱، ص۱۵۲)

بر اساس اصل قرآنی که از آیه ۱۱ سوره رعد به دست می‌آید، آشکار می‌شود که سرنوشت انسان‌ها به دست خود آنها است نه اینکه مسیری محتوم و تغییرناپذیر برای آنها معین شده که نتوانند آن را تغییر دهند؛ زیرا اگر چنین بود، هرگز خداوند حکیم و عادل، این همه دعوت و تأکید نمی‌کرد که انسان‌ها سرنوشت خود را در دست بگیرند و در راه رسیدن به پیشرفت‌های فرهنگی، سیاسی و اقتصادی، کوشا باشند.

۴ـ۱ـ۶. مهارت آموزی در مقابله با مشکلات اقتصادی

زندگی فردی و اجتماعی انسان ها، مملو از فرصت ها و تهدیداتی است که افراد به فراخور برنامه ریزی مناسبی که انجام می دهند، می توانند از فرصت ها برای تحقق اهداف خود استفاده کنند و با چالش هایی که منافع آنها را با مخاطره و تهدید مواجه می سازد، مقابله نمایند که به طور مستقیم و غیرمستقیم بر تحکیم نظام خانواده و درآمدزایی تأثیر دارد. از جمله مهارت های زندگی، غنیمت شمردن فرصت ها در راستای کسب حلال است. امام دراین زمینه، امام علی علیه السلام می فرماید: شتاب پیش از توانایی بر کار و سستی پس از به دست آوردن فرصت، از بی خردی است (نهج البلاغه، حکمت ۳۶۳). آن حضرت در فرمان مبارک خود به مالک اشتر می فرماید: مبادا در کاری که وقت آن فرا نرسیده، شتاب کنی، یا در کاری که وقت آن رسیده، سستی ورزی و یا در چیزی که (حقیقت آن) روشن نیست، ستیزه جویی نمایی و یا در کارهای واضح و آشکار، کوتاهی کنی. تلاش کن تا هر کاری را در جای خود و در زمان مخصوص به خود انجام دهی. (همان، نامه ۵۳)

با توجه به قاعده تحکیم نظام، بر دولت اسلامی واجب است تمام عواملی که در اقتدار مدیریتی مرد بر نظام خانواده اختلال ایجاد می کند را پیدا کند و در نظام آموزشی کشوری، مهارت افزایی مطابق با آموزه های اسلامی را لحاظ نماید تا تمام خانواده ها در پناه عدالت و قانون اسلامی، از درآمد مکفی برخوردار شوند و انگیزه برای کار و فعالیت خداپسندانه زیادتر شود.

۵ـ۱ـ۶. اجرای عدالت در جامعه به منظور زمینه سازی کسب درآمد کارآمدتر

نکته دیگری که در درآمدزایی خانواده به طور مستقیم و غیرمستقیم تأثیر دارد، اجرای عدالت در جامعه است که یکی از وظایف مهم دولت اسلامی با توجه به قاعده تحکیم نظام است: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَآنُ قَوْمٍ عَلَى أَلَّا تَعْدِلُوا اعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَى وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ﴾؛ «ای اهل ایمان! برای خدا پایدار و استوار بوده و به عدالت و راستی و درستی گواه باشید، و البته شما را نباید عداوت

گروهی بر آن دارد که از راه عدل بیرون روید. عدالت کنید که به تقوا نزدیک‌تر (از هر عمل) است، و از خدا بترسید، که البته خدا به هرچه می‌کنید آگاه است (مائده:۸). در اسلام، کمتر مسئله‌ای است که به اهمیت عدالت باشد؛ زیرا مسئله عدل، همانند مسئله توحید، در تمام اصول و فروع اسلام ریشه دوانده است. یعنی همان طور که هیچ‌یک از مسائل اعتقادی و عملی، فردی و اجتماعی، اخلاقی و حقوقی، از حقیقت توحید و یگانگی جدا نیست، همچنین هیچ‌یک از آنها را خالی از روح عدل نخواهیم یافت. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۹)

در جهان‌بینی اسلامی، آفرینش بر پایه عدل استوار است (بقره:۶۰ و مائده:۸) و نظام تشریع نیز همسو با نظام تکوین بر اساس همین اصل، پایه‌ریزی شده است، به گونه‌ای که عدل در نظام اسلامی، اصلی ثابت و حاکم بر همه اصول و فروع دیگر است. عدالت به معنی دادگری و هر چیزی را به‌جای خود نهادن و حد متوسط میان افراط و تفریط است. عدالت اجتماعی اقتضاء می‌کند با هریک از افراد جامعه، برابر با استحقاق آن فرد رفتار شود (مطهری، ج۱، ص۸۰ ـ ۸۲). اجرای عدالت اجتماعی، مسئولین دولتی را ملزم می‌کند زیرساخت‌های اقتصادی را در جامعه مهیا کنند. عدالت اجتماعی، انگیزه مناسبی برای جلوگیری از ارتکاب جرم و ناهنجاری در جامعه است (ستوده، ۱۳۹۸، ص۱۷۶) و به طور غیرمستقیم به تحکیم نظام خانواده و حل مشکلات اقتصادی آن کمک می‌کند.

امام علی علیه‌السلام می‌فرماید: باید تلاش تو در آبادانی زمین، بیشتر از جمع‌آوری خراج باشد که خراج، جز با آبادانی فراهم نمی‌گردد، و آن کس که بخواهد خراج را بدون آبادانی مزارع به دست آورد، شهرها را خراب و بندگان خدا را نابود و حکومتش جز اندک مدتی دوام نیاورد (نهج البلاغه، نامه ۵۳). بر اساس فرمایش امام علی علیه‌السلام، باید ابتدا زیرساخت‌ها ایجاد شود و آبادانی کشور تحقق یابد تا چرخه اقتصادی کشور به‌خوبی حرکت کند. لذا برنامه‌ریزان باید از محل درآمدهای مالیاتی، ابتدا اقدام به توسعه

زیرساخت‌های اقتصادی و فرهنگی جامعه نمایند و زمینه را برای تولید بیشتر و در نتیجه، پرداخت‌های مالیاتی مناسب‌تر فراهم سازند. اگر منابع مالیاتی صرفاً بابت امور جاری و هزینه‌های مصرفی اختصاص یابند و از مخارج عمرانی غفلت شود، مدیریت پایدار در جامعه به مخاطره خواهد افتاد، به گونه‌ای که جامعه دچار عقب‌افتادگی و مردم گرفتار فقر و حکومت دچار بی‌ثباتی می‌شود. (مقیمی، ۱۳۹۴، ص۱۵۵)

استاد مطهری درباره عدالت‌محوری می‌گوید: در قرآن، از توحید گرفته تا معاد و از نبوت گرفته تا امامت و زعامت و از آرمان‌های فردی گرفته تا هدف‌های اجتماعی، همه بر محور عدل استوار شده است. (مطهری، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۶۱)

عدالت اقتصادی، از مهم‌ترین اصول و والاترین اهداف اسلام است که به طور مستقیم و غیرمستقیم باعث تحکیم نظام خانواده و رضایتمندی می‌شود. تحقق عدالت، دو هدف زیر را دنبال می‌کند:

الف) نفی افراط و تفریط مالی و از میان برداشتن فقر و فرهنگ ثروت‌اندوزی: اگر در توزیع ثروت جامعه، عدالت اجرا شود، فقر در جامعه از بین می‌رود. امام کاظم علیه‌السلام می‌فرماید: «لو عدل فی الناس لاستغنوا؛ اگر عدالت در میان مردم برقرار می‌شد، بی‌نیاز می‌شدند» (کلینی، اصول کافی،۱۳۸۵، ج ۲، ص ۴۹۵).

ب) برخورداری همه مردم از امکانات مادی، به گونه‌ای که رفاه و آسایش، ویژه اقلیتی ثروتمند نباشد. قرآن کریم، ثروت‌ها و منابع را در خدمت تمام انسان‌ها می‌داند (بقره:۲۲، ۲۹ و ۱۶۸؛ اعراف:۱۰؛ ابراهیم:۳۲؛ حجر:۲۰؛ لقمان:۲۰ و رحمن:۱۰). (پورسیدآقایی، ۱۳۹۵، ص۵۲۷)

عدالت از نظر قرآن، جنبه‌های متعددی دارد، مانند عدالت در رفتار، گفتار، نگاه، عواطف انسانی و غیره. در اسلام، برپا کردن جامعه ایده‌آل و مطابق با فرمان‌های الهی، جز از راه عدالت میسر نیست و بنابراین به تمام پیروان خود دستور اکید داده است که صرف‌نظر از هر نوع امتیازی، از قبیل رنگ، نژاد، ثروت، مقام و نسب و ... در بین مردم با عدالت و دادگری رفتار کنند و از ایجاد اختلاف و تفرقه خودداری نمایند. در آیه ۲۵

سوره حدید، برقراری عدالت به‌عنوان هدف بعثت همه انبیاء علیهم‌السلام معرفی شده است. گستره عدالت اقتصادی، هم حیطه تقسیم ثروت عمومی و هم حیطه وضع قوانین و مقررات اقتصادی و اجتماعی را شامل می‌شود و در هر دو صورت، ثمره اجرای عدالت به طور غیرمستقیم، تحکیم نظام خانواده است.

امام علی علیه‌السلام در نامه‌ای خطاب به محمد بن ابی بکر، فرماندار مصر، ضرورت رعایت عدالت بصری (چشمی و عدالت غیرکلامی) را یادآور شده و می‌فرماید: در نگاه‌هایت و در نیم‌نگاه و خیره شدن به مردم، به تساوی رفتار کن تا بزرگان، در ستمکاری تو طمع نکنند و ناتوان‌ها در عدالت تو مأیوس نگردند؛ چراکه خداوند از بندگان خود در مورد اعمال کوچک و بزرگ، آشکار و پنهان بازخواست خواهد کرد. (نهج البلاغه، نامه ۲۷)

امام علی علیه‌السلام در عهدنامه مالک اشتر، بعد از آنکه گروه‌های مختلف جامعه را معرفی می‌کند، می‌فرماید: برای تمام اقشار گوناگون، در پیشگاه خدا گشایشی است و همه آنان به مقداری که امورشان اصلاح شود، بر زمامدار، حقی مشخص دارند و زمامدار از انجام آنچه خدا بر او واجب کرده است نمی‌تواند موفق باشد جز آنکه تلاش فراوان نماید و از خدا یاری بطلبد و در همه کارها، آسان باشد یا دشوار، شکیبایی ورزد. (همان، نامه ۵۳)

آنچه از رفتار و گفتار امام علی علیه‌السلام برداشت می‌شود این است که:

الف) اصلاح امور مردم و اصلاح (عمران و آبادانی) شهرها و در واقع، تأمین رفاه و آسایش مردم، از اهداف عمده حکومت به شمار می‌آید.

ب) با توزیع درست درآمدها و صرف آنها در عمران و آبادانی، زمینه رفاه همگانی فراهم می‌شود.

ج) یکی از رسالت‌های انبیاء، آبادسازی زمین است که در سایه آن، رفاه و آسایش تأمین می‌شود.

د) یکی از وظایف دولت، تقسیم عادلانه بیت‌المال و منابع عمومی بین آحاد

جامعه است؛ زیرا اگر حکومت، برنامه درست و جامعی دراین‌زمینه نداشته باشد، بخش زیادی از ثروت‌ها و منابع درآمدزا، در اختیار یک اقلیت قرار خواهد گرفت و رفاه عمومی محقق نخواهد شد.

هـ) از حقوق واجب مردم بر حکومت، صرف بیت‌المال برای مصارف عمومی جامعه در راستای فراهم آمدن رفاه و آسایش مردم است. (شیخی مهرآبادی، ۱۳۸۶)

از نظر شهید صدر، در ساحت فردی، عدالت به معنای رعایت حد اعتدال و استقامت در شریعت است. در ساحت حیات جمعی در پیوند با استخلاف عامه انسان نیز عدالت اجتماعی، متضمن دو رکن تعادل اجتماعی و تأمین اجتماعی است که رکن دوم بر دو طریق مردمی و دولتی صورت می‌پذیرد. بنابراین، عدالت اجتماعی، متقارن با نوعی توازن اجتماعی است و کارکرد رکن تأمین اجتماعی، برگشت جامعه به توازن مورد هدف است. ازاین‌رو، در کنار معیار کار، معیار نیاز نیز به‌عنوان اصل حاکم بر حوزه تأمین اجتماعی در مکتب اجتماعی اسلام پذیرفته شده است. در نگاه صدر، نظریه عدالت اسلامی، عنصر اصلی مکتب اجتماعی اسلام است. اقامه عدالت اجتماعی، نیازمند مداخله مستقیم و حداکثری دولت اسلامی، به‌ویژه در «منطقه الفراغ» است و بزرگ‌ترین مانع اقامه عدالت در دیدگاه وی، وابستگی به دنیاست. (سرآبادی تفرشی و پیغامی، ۱۳۹۶)

وقتی عدالت در جامعه فراگیر شود، همانند چتری بر تمام خانواده‌ها سایه می‌افکند و منافع آن به همگان می‌رسد؛ از جمله، حس رضایتمندی در تک‌تک اقشار جامعه ایجاد می‌شود، کار و تلاش خداپسندانه فرهنگ‌سازی می‌گردد، هویت ملی تثبیت می‌شود، افراد نسبت به کشور و آیین اسلام، عشق بیشتری پیدا می‌کنند و فرار مغزها، اندیشمندان و نخبگان کاهش می‌یابد. دولت اسلامی، با توجه به قاعده حفظ نظام و جلوگیری از وارد شدن ضرر به نظام اسلامی لازم است سیاستی در پیش گیرد تا خانواده‌ها از درآمد مکفی برخوردار شوند و در بستری آرام و راضی، زندگی کنند و فاصله

طبقاتی در جامعه بسیار کم شود؛ زیرا تحکیم نظام خانواده، تحکیم نظام اسلامی را در پی دارد و در آن، زمینه رشد و تربیت انسان‌های متعالی فراهم می‌شود. هدف اصلی حکومت اسلامی، تحقق اخلاق اسلامی و رساندن مردم به رشد و تعالی و کمال انسانی است و تأمین رفاه و آسایش مردم، یکی از اولویت‌ها برای رسیدن به هدف اصلی است.

حکومت اسلامی با توجه به قاعده تحکیم نظام، واجب است طوری برنامه‌ریزی کند که در انتخاب افراد به شغل مناسب، عدالت رعایت شود. مدیران باید به توانایی‌ها، ظرفیت‌ها و استعدادهای افراد، خارج از ارتباطات فامیلی و شخصی توجه کنند. نتیجه این نوع مدیریت، کاهش ناامیدی اجتماعی و شغلی و افزایش آرامش روحی افراد است. تضمین آرامش روحی، به طور غیرمستقیم، به تحکیم نظام خانواده منجر می‌شود. مدیران باید توانایی‌های افراد و خانواده‌های آنها را بسنجند و زمینه اشتغال مناسب برای نان‌آوران خانواده را مهیا سازند. شغل افراد، هم باید متناسب با توانایی‌های علمی و جسمی آنها باشد و هم دارای حقوق و دستمزد عادلانه باشد. از طرف دیگر، آموزه‌های اسلامی و تقنین قوانین و مقررات اسلامی، افراد را ملزم می‌کند که حداکثر توان خود را به کار گیرند و تنبلی و سستی را کنار بگذارند و از تمام امکانات، در راستای ادای تکالیف به قدر توان، بهره گیرند (تغابن:۱۶) و تاآنجاکه می‌توانند مجاهده و تلاش کنند تا مشمول هدایت خاص خداوند شوند. (عنکبوت:۶۹)

نظام این عالم به گونه‌ای طرح‌ریزی شده که انسان‌ها از لحاظ استعدادها و توانایی‌هایشان با یکدیگر فرق دارند. وجود این تفاوت‌ها لازمه پیشرفت و تعامل بیشتر افراد است و به شکوفا شدن استعدادهای بشر کمک می‌کند. در آیه ۳۲ سوره زخرف می‌خوانیم: ﴿أَهُمْ يَقْسِمُونَ رَحْمَتَ رَبِّكَ نَحْنُ قَسَمْنَا بَيْنَهُمْ مَعِيشَتَهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَرَفَعْنَا بَعْضَهُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ لِيَتَّخِذَ بَعْضُهُمْ بَعْضًا سُخْرِيًّا وَرَحْمَتُ رَبِّكَ خَيْرٌ مِمَّا يَجْمَعُونَ﴾؛ «آیا آنها باید فضل و رحمت خدای تو را تقسیم (و مقام نبوت را تعیین) کنند؟ درصورتی‌که ما خود، معاش و روزی آنها را در حیات دنیا تقسیم کرده‌ایم و بعضی را بر بعضی، به درجاتی (از مال و

جاه دنیوی) برتری داده‌ایم تا بعضی از مردم (به ثروت)، بعضی دیگر را مسخر خدمت کنند، و رحمت خدا از آنچه (از مال دنیا) جمع می‌کنند بسی بهتر است».

همین تفاوت‌هاست که انسان‌ها می‌توانند زندگی اجتماعی داشته باشند. همین برتری‌ها و یا کمبودهاست که منشأ رقابت، تلاش و کوشش است، اما باید دانست که این اختلاف‌ها، ملاک و معیار برتری حقیقی نیست. پیامبر اکرم ﷺ می‌فرماید: «اعمَلوا فَکلّ مَیسر لِما خَلَقَ لَهُ؛ همه شما کار کنید، اما متوجه باشید هرکس برای کاری آفریده شده است که آن کار را بهتر و با سهولت انجام می‌دهد» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج۴، ص۲۸۲). این روایت می‌تواند این مفهوم را برساند که نوع کار افراد باید متناسب با استعدادهای فرد باشد.

یکی از توصیه‌های مهم اسلام در خصوص اشتغال، تعیین حقوق و دستمزد عادلانه و همچنین توافق بر روی مبلغ دستمزد است. رسول خدا ﷺ دراین زمینه می‌فرماید: هرگاه خواستید کارگری را به کار بگیرید، مزدش را به او بگویید (جوادی آملی، ۱۳۹۲، ص۵۲۰). امام علی علیه‌السلام در خصوص تعیین حقوق کارکنان و کارگزاران، خطاب به مالک اشتر می‌فرماید: سپس روزی فراوان بر آنان ارزانی دار، که با گرفتن حقوق کافی، در اصلاح خود بیشتر می‌کوشند و با بی‌نیازی، دست به اموال بیت‌المال نمی‌زنند، و اتمام حجتی است بر آنان اگر فرمانت را نپذیرند یا در امانت تو خیانت کنند (نهج البلاغه، نامه ۵۳). با توجه به توصیه امام علی علیه‌السلام، مدیران باید تلاش کنند حقوق و مزایای مکفی، عادلانه و به‌موقع به کارکنان بپردازند تا از عهده مخارج زندگی خود برآیند. پیامبر اکرم ﷺ می‌فرماید: دستمزد کارگر را پیش از خشکیدن عرق او بپردازید. (جوادی آملی، ۱۳۹۲، ص۵۲۰)

اجرای عدالت در جامعه، مستلزم ایجاد شغل متناسب با استعدادها و توان سرپرستان خانواده است. از طرف دیگر، لازمه اجرای عدالت، تعیین حقوق و دستمزد عادلانه برای سرپرستان خانواده است تا فاصله طبقاتی در جامعه کاهش یابد، لذا لازم است در مشاغل گوناگون، با توجه به سختی کار، سقف حقوقی در نظر گرفته شود تا همه

افـراد جامعـه تقریباً به یک میزان، از نعمت‌های الهی برخوردار شـوند و فاصله طبقاتی، چندان ایجاد نشـود. این مسـئله، مستلزم رشد فرهنگی جامعه در راستای دیدگاه الهی و اخـروی اسـت. بـرای ایجاد انگیزه در افـراد نخبه جامعه می‌تـوان از روش‌های دیگری استفاده کرد که یکی از راه‌ها، برخورداری از رده شغلی بالاتر است. تطابق کار متناسب بـا توانایی‌هـای علمـی و جسـمی افـراد و تطابق کار با حقـوق و دسـتمزد عادلانه به طور مستقیم و غیرمستقیم بر تحکیم نظام خانواده تأثیر دارد.

۶ـ۱ـ۶. ترویج فرهنگ ترجیح منفعت عامه بر منفعت شخصی در جامعه

برای مدیریت بهتر اقتصاد خانواده لازم اسـت در جامعه، نگرش نوع‌دوسـتی، مهرورزی، قناعـت و کمـک بـه یکدیگـر حاکم شـود و برای رسـیدن به ایـن هدف، ابتـدا باید خود مسئولین، پایبند به این مسائل شوند؛ زیرا روش و سبک زندگی مسئولین و خانواده‌های آنها، تأثیر زیادی در هنجار شدن آن رفتارها در میان افراد و خانواده‌ها دارد. بر این اساس، با توجه به آموزه‌های دینی، در برنامه‌ریزی‌ها و تصمیم‌گیری‌ها در سطح عموم، الزاماً باید منافع شخصی، فدای منافع عمومی شوند و یا همسو با منافع عمومی گردند (زینالو، علی احمـدی و نریمان، ۱۴۴۰). این مسـئله، به طور غیرمسـتقیم، به تحکیـم نظام خانواده کمک خواهد کرد. علامه مطهری می‌گوید: آنجا که میان حق جامعه و حق فرد، تعارض و تزاحم افتـد، حـق جامعـه بر حق فرد و حق عام بر حق خاص، تقدم می‌یابد و حاکم شـرعی در این موارد تصمیم می‌گیرد (مطهری، ۱۳۸۵، ص۱۱۸). این مسئله، در مدیریت جهادی، برای حل چالش‌ها و معضلات خانوادگی می‌تواند بسیار کمک‌کننده باشد.

قرآن، در مذمت عدم توجه به نیازهای برادر دینی می‌فرماید: ﴿وَيْلٌ لِكُلِّ هُمَزَةٍ لُمَزَةٍ الَّذِي جَمَعَ مَالًا وَعَدَّدَهُ﴾؛ «وای بر هر بدگوی عیب‌جویی که مالی گرد آورد و آن را برشمرد» (هُمزه:۱ـ۲). در این آیات، جلوگیری از گردش مال در چرخه زندگی اجتماعی، نکوهش شده است. آنان که به‌جای انفاق مال، در فکر جمع و احتکار اموال هستند، منتظر عذاب خوردکننده قیامت باشند. (قرائتی، ۱۳۸۳، ج۱۰، ص۵۹۲)

حکومت اسلامی با توجه به قاعده تحکیم نظام و جلوگیری از وارد شدن ضرر به نظام اسلامی، واجب است ثروت عمومی را برای حل مشکلات خانواده‌ها و عموم مردم استفاده کند و پست و مقام خود را امانت الهی بداند که نتیجه آن، به طور غیرمستقیم، به تحکیم نظام خانواده منجر می‌شود. مال و ثروت باید به نفع مصالح عمومی، در چرخه تولید و اشتغال قرار گیرد و راکد گذاردن آن، به زیان درآمدزایی خانواده‌ها است.

امام علی علیه‌السلام در زمینه تقدم منفعت عامه، خطاب به مالک اشتر می‌فرماید: دوست داشتنی‌ترین چیزها در نزد تو، در حق، میانه‌ترین و در عدل، فراگیرترین و در جلب خشنودی مردم، گسترده‌ترین باشد که همانا خشم عمومی مردم، خشنودی خواص را از بین می‌برد، اما خشم خواص را خشنودی همگان بی‌اثر می‌کند (نهج البلاغه، نامه ۵۳). بنا به فرموده امام علی علیه‌السلام، مدیران باید به دنبال جلب رضایت عامه مردم باشند، حتی اگر خواص، از اقدامات وی ناراضی باشند؛ زیرا اگر خشنودی عامه مردم تأمین شود، نارضایتی خواص، ره به جایی نخواهد برد. ایشان خطاب به مالک اشتر می‌فرماید: خواص جامعه، همواره بار سنگینی را بر حکومت تحمیل می‌کنند؛ زیرا در روزگار سختی، یاری‌شان کمتر و در اجرای عدالت، از همه ناراضی‌تر و در خواسته‌های‌شان، پافشارتر و در عطا و بخشش‌ها، کم‌سپاس‌تر و به هنگام منع خواسته‌ها، دیرعذرپذیرتر و در برابر مشکلات، کم‌استقامت‌تر می‌باشند؛ درصورتی‌که ستون‌های استوار دین و اجتماعات پرشور مسلمین و نیروهای ذخیره دفاعی، عموم مردم هستند. پس به آنها گرایش داشته باش و اشتیاق تو با آنان باشد (نهج البلاغه، نامه ۵۳). گروه‌های آسیب‌پذیر اقتصادی و اجتماعی، بخش عمده عامه مردم را تشکیل می‌دهند که رسیدگی به وضعیت معیشت آنها، از وظایف مهم مدیران و مسئولان حکومت اسلامی است.

۷ـ۱ـ۶. سیاست‌گذاری متناسب با آموزه‌های اسلامی در حوزه اشتغال زنان با توجه به اصل اقتدار مدیریتی مردان در نظام خانواده

در آیه ۳۴ سوره مبارکه نساء، به اقتدار مدیریتی شوهر در نظام خانواده اشاره شده است:

﴿الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ فَالصَّالِحَاتُ قَانِتَاتٌ حَافِظَاتٌ لِلْغَيْبِ بِمَا حَفِظَ اللَّهُ وَاللَّاتِي تَخَافُونَ نُشُوزَهُنَّ فَعِظُوهُنَّ وَاهْجُرُوهُنَّ فِي الْمَضَاجِعِ وَاضْرِبُوهُنَّ فَإِنْ أَطَعْنَكُمْ فَلَا تَبْغُوا عَلَيْهِنَّ سَبِيلًا إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيًّا كَبِيرًا﴾؛ «مردان را بر زنان تسلط و حق نگهبانی است به‌واسطه آن برتری که خدا برای بعضی بر بعضی مقرر داشته و هم به‌واسطه آنکه مردان از مال خود نفقه دهند...».

واژه قوام بر وزن «فعال»، صیغه مبالغه از ریشه قیام است. درباره معنای لغوی این واژه ابهامی نیست، ولی در مورد مفهوم قوامیت شوهر در آیه مذکور، میان مفسران و فقهای عظام، اتفاق نظر وجود ندارد. در بسیاری از منابع تفسیری و فقهی، قوامیت شوهر، به سرپرستی، صاحب اختیاری و مسخر بودن وی بر زن معنا شده است (طبرسی، ۱۴۱۲، ج۳، ص۵۸؛ ابن کثیر، ۱۴۱۹، ج ۲، ص ۲۵۶ و مدرسی، ۱۴۱۹، ج ۲، ص ۷۴). برخی دیگر مراد از قوامیت مرد را ولایت وی دانسته‌اند (مغنیه، ۱۴۲۴، ج ۲، ص ۳۱۵ و قرائتی، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۲۸۲). مبتنی بر همین نگرش، بعضی فقها، شوهران را در ردیف اولیا ذکر کرده‌اند (نراقی، ۱۳۷۵، ص۵۲۹). بعضی صاحب‌نظران، ولایت و سلطه شوهر بر همسر را نفی کرده و قوام را به مدیریت، سرپرستی و مسئولیت اجرایی تفسیر نموده‌اند (راوندی، ۱۴۰۵، ج۲، ص۱۱۶ و مقدادی، ۱۳۸۱، ص ۳۳). برخی نیز نوشته‌اند: قوام دیگری یعنی مدیر، مسئول و رئیس (جوادی آملی، ۱۳۹۸، ص۳۹۱). مطابق این نظریه، قیوم و قوام، به وظیفه بازمی‌گردد و مزیت یا امتیازی برای مرد نیست. برخی دیگر اظهار داشته‌اند: می‌توان این آیه را به گونه‌ای معنا کرد که جامعه مردسالار باشد، ولی ممکن است قوّامون را با توجه به معنای لغوی تفسیر کنیم که به معنای قیام به امر است، نه مالکیت. به عبارت دیگر، قوام به معنای مدیریت است. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۵، ج۶، ص۱۱۵)

شواهدی وجود دارد که قوام در آیه مورد بحث، به معنای اخیر است. توجه به معنای لغوی واژه «قوام» و کاربردهای آن در قرآن کریم، این احتمال را تأیید می‌کند. ترکیب واژه قوام با حرف «علی»، مفهوم اداره کردن همراه با نظارت و مراقبت را می‌رساند (راغب

اصفهانی، ۱۴۱۲، ص۶۹۰). بدین ترتیب، آیه ﴿الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ﴾، به معنای آن است که مردان، سرپرست همسران خویش‌اند، سرپرستی همراه با تأمین نیازها و مراقبت و نظارت تربیتی بر آنها (علی‌دوست و ساجدی، ۱۴۳۳، ص۱۱). توجه به معنای مدیریت و سرپرستی در استنباط احکام فقهی از این آیه مبارکه، منشأ اثر است. (هدایت‌نیا، ۱۳۹۵، ص۲۱۹)

دین مبین اسلام، اشتغال زنان (نساء:۳۲) را با حفظ حدود اسلامی و رعایت ضوابط شرعی مجاز می‌شمارد. بررسی منابع فقهی نشان می‌دهد که در اموری که مختص زنان است باید رفع نیازهای زنان، توسط خودشان انجام شود. این موضوع، وجوب کفایی مشاغلی را می‌رساند که زنان باید عهده‌دار آن باشند. بااین‌وجود، باید حکومت اسلامی تدابیری لحاظ کند که وظیفه اصلی زنان (یعنی همسرداری و تربیت فرزندان)، تحت شعاع کار اجتماعی آنان قرار نگیرد. زن و مرد به سبب تفاوت در ویژگی‌های جسمی و روانی، سهم یکسانی در پایداری خانواده ندارند؛ بلکه سهم زن در آرامش‌دهی، ویژه است. قرآن به‌صراحت می‌فرماید: او خدایی است که شما را از نفس واحدی آفرید و همسرش را نیز از جنس او قرار داد تا در کنار او بیاساید (اعراف:۱۸۹). با توجه به نقش فعال زن در آرامش‌دهی به خانه و خانواده و تربیت فرزندان، دولت اسلامی باید الگوی متناسب با اسلام برای اشتغال زنان طراحی کند تا خدشه‌ای به تحکیم نظام خانواده وارد نیاید. از شاخصه‌های این الگو می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: حفظ کرامت زن، هماهنگی با وظیفه مادری، هماهنگی با حقوق همسر، تناسب با ویژگی‌های زنانه، عدم اختلاط و رعایت پوشش شرعی.

مسئولیت فرهنگی دولت اسلامی در مدیریت حوزه اشتغال زنان شامل موارد زیر است:

- اصلاح نگرش به خانواده و بها دادن به خانه‌داری
- احیاء و تقویت جایگاه زن و خانواده
- ارزش‌گذاری کار خانگی زنان و تعیین سهم آنان در تولید ناخالص داخلی کشور

- اصلاح نگرش درباره فرزندآوری
- تعدیل و اصلاح الگوی مصرف
- تقویت احساس مسئولیت‌های خانوادگی
- توسعه فرهنگ حجاب و عفاف
- کیفیت‌بخشی و غنی‌سازی اوقات فراغت
- افزایش آگاهی جامعه نسبت به فعالیت اقتصادی زنان با تأکید بر شأن و کرامت انسانی آنها
- ارتقاء فرهنگ سازمانی و شرایط محیط کار
- تقویت احساس مسئولیت عمومی
- ارتقاء فرهنگ مصرف کالای تولید داخل در خانواده. (کرمی، ۱۳۹۵)

۸ـ۱ـ۶. تشکیل مراکز تخصصی پژوهشی متشکل از اساتید حوزه و دانشگاه به‌منظور تفحص و یافتن راهکار برای درآمدزایی مؤثر و کارآمد

معضلات خانواده، به‌ویژه مشکلات اقتصادی، بسیار پیچیده هستند و نحوه مواجهه با آنها، نیازمند هم‌اندیشی متخصصان زیادی از جامعه است. حکومت اسلامی، با توجه به قاعده تحکیم نظام، واجب است برای حل معضلات خانواده‌ها به‌خصوص مشکلات اقتصادی و فرهنگی، مراکز تخصصی پژوهشی متشکل از اساتید حوزه و دانشگاه ایجاد کند تا بر اساس آموزه‌های دینی، به راهکارهای مناسب دست یابند. نتایج پژوهش حسینی و عزیزی نشان داد که میان تعداد قوانین و سیاست‌های حمایتی، فاصله‌ای فاحش وجود دارد که می‌توان آن را دال بر خلأ یا نهایتاً ضعف شدید سیاست‌گذاری‌های حوزه خانواده دانست (حسینی و عزیزی، ۱۴۳۷). در حکومت اسلامی، برای حل مشکل اقتصادی خانواده‌ها، باید نهادهای علمی و دینی، به‌منظور نظریه‌پردازی و تبدیل مفاهیم بنیادی به کاربردی، اقدامات اساسی انجام دهند؛ زیرا یکی از مهم‌ترین راه‌های استقلال و پیشرفت کشور، نظریه‌پردازی متناسب با نیازها و

هم‌راستا با فرهنگ اسلامی ـ ایرانی است که در این رهگذر، توجه به قرآن کریم، سیره نظری و عملی ائمه علیهم‌السلام و تجربیات موفق رهبران مسلمان، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. بر این اساس، از توصیه‌های اکید حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، رهبر معظم انقلاب اسلامی، اجرای پژوهش‌های قرآنی در زمینه علوم انسانی و پایه‌گذاری علوم انسانی بر مبانی قرآنی است. ایشان دراین‌زمینه در دیدار با بانوان قرآن پژوه کشور، بیان می‌دارند: علوم انسانی را ما به‌صورت ترجمه‌ای، بدون هیچ‌گونه فکر تحقیقی اسلامی، می‌آوریم توی دانشگاه‌های خودمان و در بخش‌های مختلف تعلیم می‌دهیم، درحالی‌که ریشه و پایه و اساس علوم انسانی را در قرآن باید پیدا کرد. باید در زمینه‌های گوناگون، به نکات و دقائق قرآن توجه کرد. البته پژوهشگران می‌توانند از پیشرفت‌های غربی‌ها و کسانی که در علوم انسانی پیشرفت داشتند، استفاده بکنند، لکن مبنا باید مبنای قرآنی باشد (۸۸/۷/۲۸). تأکید بر تولید علم بومی مبتنی بر آموزه‌های قرآنی و اسلامی، به معنای نادیده انگاشتن دستاوردهای علمی و نظریه‌های مدیریتی غربی نیست؛ بلکه باید با مطالعه و اجتهاد صحیح و پویا در آیات و روایات، شاخص‌های مدیریتی استخراج شود، نه اینکه ابتدا گزاره‌های غربی را پذیرفت و سپس در جستجوی مؤیداتی در آیات و روایات برای آنها بود (۸۸/۲/۲۷ در دیدار با استادان و دانشجویان دانشگاه‌های کردستان؛ حق‌شناس، ۱۳۸۸، ص۵۷)

۲ـ۶. هزینه‌های خانواده

اداره هزینه‌های زندگی و ایجاد تعادل بین دخل و خرج می‌تواند منجر به تحکیم بنیان خانواده و کاهش تنش و مشکلات خانوادگی گردد. هزینه‌های خانواده، بعد وسیعی دارد که شامل خوراک، پوشاک، مسکن، اوقات فراغت، درمان و آموزش و تربیت است. یکی از راهکارهای حل مشکلات اقتصادی خانواده و مدیریت هزینه‌ها، مهارت‌آموزی در خرج و دخل است. مدیریت هزینه به معنی بهترین بهره‌وری با حداقل امکانات (ملکی، ۱۳۹۰، ص۹۵) و جلوگیری از اسراف و تبذیر است. عدم مهارت در خانواده‌های

متوسط و پایین جامعه، چالش برانگیز است و باعث می‌شود که خانواده با بحران مواجه شود. در آموزه‌های دینی، بر اعتدال و بهینه مصرف کردن تأکید شده است، لذا یکی از راه‌های مدیریت در بحث هزینه‌های خانواده، فرهنگ‌سازی منش میانه‌روی است.

زندگی اسرافی، از چند سو، فساد اخلاقی و رفتاری را در پی دارد. از یک‌سو، غرق شدن در شهوات، هوس‌ها و زیاده‌روی در لذات جسمانی، مجالی برای اندیشه در کمالات معنوی و انسانی و توجه به بعد روحی باقی نمی‌گذارد و راه را برای تهذیب اخلاقی می‌بندد؛ به‌ویژه اینکه افتادن در دام هوس‌ها و لذت‌جویی‌ها، نیروی خرد و تفکر و بصیرت انسان را کم می‌کند. از طرف دیگر، حفظ این موقعیت، مستلزم غوطه‌ور شدن بیشتر در رذیلت‌های اخلاقی مانند حرص، طمع و بخل است. قرآن کریم نیز مترفان را مفسد و فاسق معرفی می‌کند (شعراء:۱۴۷ ـ ۱۵۲؛ فجر:۶ ـ ۱۲ و اسرا:۱۶). (پورسیدآقایی، ۱۳۹۵، ص۵۳۴)

قرآن، ریشه همه مشکلات زندگی را «اعراض» از «یاد خدا» می‌داند و می‌فرماید: ﴿وَمَنْ أَعْرَضَ عَنْ ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا وَنَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْمَى﴾؛ «و هرکس از یاد من اعراض کند، همانا (در دنیا) معیشتش تنگ شود و روز قیامتش نابینا محشور کنیم» (طه:۱۲۴). اگر انسان‌ها در زندگی، همیشه خودشان را در محضر خدا ببینند و توجه داشته باشند که سعادت حقیقی وقتی حاصل خواهد شد که در زندگی دنیا مسیر راست و توحیدی با منش متعالی انسانی را طی کرده باشند (نگاه ابزاری به دنیا)، دیگر دنبال زیاده‌خواهی نمی‌روند (فرقان:۶۷) و چشم و هم‌چشمی نمی‌کنند. اگر چنین فضایی در جامعه حاکم شود، هر خانواده، به درآمد خود قناعت می‌کند و حس برادری و برابری، باعث می‌شود به یکدیگر کمک کند و خانواده نیازمند در جامعه نباشد.

بر این اساس، یکی از تدابیر مهم اسلام برای تأمین زندگی و جلوگیری از فقر، ارائه الگوی میانه‌روی در مصرف است. امام علی علیه‌السلام در وصیت خود به امام حسن مجتبی علیه‌السلام می‌فرماید: فرزندم! در اموری که با وضع مالی زندگی تو ارتباط دارد و همچنین در عبادت خود، میانه‌رو باش. (قمی،۱۳۴۴ ق، ج۲، ص۴۱۰)

در المحاسن، به نقل از امام صادق علیه‌السلام یا امام زین‌العابدین علیه‌السلام آمده است: پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود: سه چیز، عامل نجات است و سه چیز، عامل هلاکت است. گفتند: ای پیامبر خدا! عوامل نجات، کدامند؟ فرمود: ترس از خدا در نهان، به گونه‌ای که گویی او را می‌بینی؛ (زیرا) اگر تو او را نمی‌بینی، او قطعا تو را می‌بیند؛ و مراعات عدالت (حقیقت) در حال خشنودی و خشم؛ و میانه‌روی در توانگری و تهیدستی. (برقی، ۱۴۱۶، ج۱، ص۶۲)

آنچه از این روایت برداشت می‌شود این است که برای داشتن منش میانه‌روی در توانگری و تهی‌دستی، فرد باید باور داشته باشد که خدا او را می‌بیند و در این حالت، خود را رهاشده نمی‌یابد، ظلم نمی‌کند و در اخلاق و عمل، مطابق آموزه‌های اسلامی عمل می‌کند. دولت اسلامی باید با استفاده از تبلیغات فرهنگی و رسانه‌های جمعی، سبک زندگی اسلامی را که مبتنی بر نگرش الهی و اخروی است، در جامعه، تبدیل به هنجار و عرف کند و باید خود مسئولین نیز این روش را سرلوحه زندگی خود قرار دهند. اقتصاد اسلامی برای افراد و جوامع، دو ارمغان مهم دارد: بشر را از بزرگ‌ترین رنج تاریخی او، که مسئله معیشت و غصه تأمین مایحتاج زندگی است، رها می‌کند و جامعه و فرد را از عوارض شوم فقر، که سوء اخلاق، فساد، فحشا و حتی کفر و بی‌دینی است، محفوظ نگه می‌دارد.

دولت اسلامی، با توجه به قاعده حفظ نظام و ضرورت اجرای احکام اسلامی به‌خصوص تکلیف امربه‌معروف و نهی‌ازمنکر، دراین‌زمینه می‌تواند راهکارهای زیر را انجام دهد:

- ترویج فرهنگ متناسب با آموزه‌های اسلامی در دخل و خرج خانواده
- شناسایی و حمایت خانواده‌های ضعیف از طریق انجمن‌های محله برای کارآمد ساختن خانواده‌ها. کارآمدی خانواده، به کارآمدی اعضای آن بستگی دارد. فواید حمایت از خانواده‌ها، به تقویت نظام اسلامی منجر می‌شود.

- تقویت انسجام خانوادگی که به بالا رفتن انگیزه کار و تلاش به نفع خانواده می‌انجامد. همچنین شبکه همیاری طایفه‌ای با هدف حمایت، مراقبت و کنترل، فعال می‌شود و بار مسئولیت دولت برای حل معضلات خانوادگی و اجتماعی کاهش می‌یابد.
- دادن وام قرض‌الحسنه به خانواده‌های نیازمند
- در اختیار گذاشتن خانه‌های کوچک با اقساط درازمدت به خانواده‌های ضعیف. البته راهکار اخیر، نیازمند داشتن شغل برای سرپرست خانوار است تا بتواند اقساط را پرداخت کند.

همچنین لازم است دولت اسلامی در مراکز دولتی و خصوصی، آیین‌نامه‌هایی تصویب کند که تسهیلات ویژه به خانواده‌های دارای فرزند داده شود. مثلاً تعداد مرخصی بیشتری برای این افراد در سال قرار دهند. هنگام تولد فرزندانشان، به آنان تبریک زبانی گفته شود و تشویقی دریافت کنند. به آنهایی که شیفت شب دارند و ازدواج کرده‌اند شب‌کاری کمتری داده شود تا خانواده داشتن و فرزند داشتن، به ارزش و هنجار مثبت جامعه تبدیل شود و نگرش افراد به زندگی، نگرش اخروی گردد. در نتیجه، افراد، آرام آرام، زیر بار این مسئولیت بزرگ می‌روند و زمینه سعادت حقیقی آنان مهیا می‌شود و جامعه اسلامی در مقابل فساد و فحشا بیمه می‌گردد.

آیات و روایات زیادی وجود دارد که مسلمین را متعهد می‌کند خمس و زکات بپردازند و غیرمسلمانان را متعهد می‌سازد به حکومت اسلامی جزیه بپردازند. در واقع، این کار به‌منظور کمک به نیازمندان و تحکیم نظام اسلامی انجام می‌شود. درصورتی‌که تمام افراد، زکات، جزیه و خراج را بپردازند و این مال نیز به‌صورت صحیح بین نیازمندان تقسیم شود، دیگر نیازمندی نمی‌ماند و خانواده‌ها کم‌کم توانمند می‌شوند و فاصله طبقاتی کاهش می‌یابد. تحکیم خانواده، پایه‌های نظام اسلامی را محکم می‌کند و زمینه ظهور حکومت حضرت مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف را مهیا می‌سازد.

خداوند در آیه ۱۲ سوره مائده می‌فرماید: ﴿وَلَقَدْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَبَعَثْنَا مِنْهُمُ اثْنَيْ عَشَرَ نَقِيبًا وَقَالَ اللَّهُ إِنِّي مَعَكُمْ لَئِنْ أَقَمْتُمُ الصَّلَاةَ وَآتَيْتُمُ الزَّكَاةَ وَآمَنْتُمْ بِرُسُلِي وَعَزَّرْتُمُوهُمْ وَأَقْرَضْتُمُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا لَأُكَفِّرَنَّ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَلَأُدْخِلَنَّكُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ فَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ مِنْكُمْ فَقَدْ ضَلَّ سَوَاءَ السَّبِيلِ﴾؛ «و هرآینه خداوند از فرزندان یعقوب پیمان گرفت، و از ایشان دوازده مهتر و سرپرست برانگیختیم، و خدای گفت: من با شمایم اگر نماز را برپا دارید و زکات بدهید و به فرستادگانم ایمان آورید و ایشان را یاری کنید و خدای را وامی نیکو دهید ـ به نیازمندان کمک کنید ـ هرآینه بدی‌های شما را از شما بزدایم و شما را به بهشت‌هایی درآورم که از زیر (درختان) آنها جوی‌ها روان است. پس هرکه از شما از این پس کافر شود، به‌راستی راه راست را گم کرده است». در این آیه مبارکه تأکید می‌شود که اگر حمایت خدا را می‌خواهید، نماز بخوانید، زکات بپردازید، ایمان به رهبران الهی داشته باشید و آنها را یاری دهید، به نیازمندان کمک کنید که کمک به نیازمندان، در واقع وام دادن به خداوند است. خداوند، مالک حقیقی همه اموال و دارایی‌ها است، ولی چون پرداخت وام بدون ربا به نیازمندان، تأثیر فراوانی در برقراری توازن اقتصادی و برطرف کردن فقر دارد، لذا هرجا در قرآن بحث از قرض دادن است، خداوند خودش فرموده است که این کمک مادی و معنوی را چند برابر می‌کند. (بقره:۲۴۵؛ مائده:۱۲؛ حدید:۱۱ و ۱۸ و تغابن:۱۷)

امام علی علیه‌السلام در خصوص رسیدگی به محرومان جامعه می‌فرماید: بخشی از بیت‌المال را در هر شهری به طبقات پایین اختصاص ده؛ زیرا برای دورترین مسلمانان همانند نزدیک‌ترین آنان سهمی مساوی وجود دارد و تو مسئول رعایت آنان می‌باشی...؛ زیرا این گروه، در میان رعیت، بیشتر از دیگران به عدالت نیازمندند و حق آنان را به گونه‌ای بپرداز که در نزد خدا معذور باشی. از یتیمان خردسال و پیران سالخورده که راه چاره‌ای ندارند و دست نیاز برنمی‌دارند، پیوسته دلجویی کن که مسئولیتی سنگین بر دوش زمامداران است... مبادا سرمستی حکومت، تو را از رسیدگی به آنان بازدارد، که

هرگز انجام کارهای فراوان و مهم، عذری برای ترک مسئولیت های کوچک تر نخواهد بود. همواره در فکر مشکلات آنان باش و از آنان روی برمگردان، به ویژه امور کسانی را از آنان بیشتر رسیدگی کن که از کوچکی به چشم نمی آیند و دیگران آنان را کوچک می شمارند و کمتر به تو دسترسی دارند. (نهج البلاغه، نامه ۵۳)

۳ـ۶. تقیین و اصلاح قوانین به منظور رفع مشکلات اقتصادی خانواده با توجه به آموزه های اسلامی

با توجه به لزوم و وجوب اجرای احکام اسلام، به ویژه تکلیف امربه معروف و نهی ازمنکر و زمینه سازی حکومت حضرت مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف، بر دولت اسلامی به نیابت از امام معصوم علیه‌السلام واجب است که در برنامه ریزی های خرد و کلان کشوری، برنامه و نقشه عملیاتی شفاف در زمینه رفع مشکلات اقتصادی خانواده داشته باشد. وجود قوانین خرد و کلان کشوری خانواده محور، منجر به احساس امنیت و دلگرمی افراد جامعه در مسیر زندگی می شود.

امنیت، عبارت است از آرامش درونی و برونی که می تواند قلمروهای فردی، اجتماعی، فکری، روحی، اخلاقی و اعتقادی را دربرداشته باشد (مصلحی، ۱۳۹۲، ج۱، ص۱۳۳). ایجاد چنین امنیتی با این وسعت در خانواده، نیازمند ایجاد چنین امنیتی در جامعه است. امنیت در جامعه، به طور مستقیم و غیرمستقیم به تحکیم نظام خانواده کمک خواهد کرد. ارزیابی و بازنگری قوانین موجود و تدوین قوانین حمایتی لازم و اتخاذ تدابیر مناسب در راستای نظارت بر حسن اجرای قوانین برای رفع مشکلات اقتصادی خانواده، می تواند از مفاسد اخلاقی و اجتماعی پیشگیری کند. مبارزه قانونی با عوامل اصلی مفسده انگیز اقتصادی به منظور تحکیم نظام خانواده، موجب افزایش احساس امنیت و رضایتمندی از زندگی می شود. دولت اسلامی برای جلوگیری از وارد شدن ضرر به نظام مقدس اسلامی، واجب است با بررسی متون دینی و آموزه های اسلامی، سبک عملکردی حضرت مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف را سرلوحه عملکرد خود قرار دهد و با اجرای فریضه امربه معروف و نهی ازمنکر، به مبارزه با مفاسد اجتماعی بپردازد. دولت اسلامی

موظف است نیازهای اولیه مادی و معنوی شهروندان را تأمین کند. ایجاد امنیت روانی و حس خودارزشمندی (کرامت انسانی)، جزء وظایف دولت اسلامی است که باید آن را به گونه‌ای روشمند و هدفمند اجرا کند. وقتی دیدگاه توحیدی و عدالت اجتماعی بر جامعه مستولی باشد و فساد از جامعه رخت بربندد، در آن هنگام، فحشا و بی‌غیرتی و بی‌عفتی در جامعه وجود نخواهد داشت و خانواده در محیط امن، به تربیت اسلامی فرزندان می‌پردازد و انسان‌ها سعادت حقیقی خود را پیدا می‌کنند. نتیجه غایی عملکرد صحیح دولت اسلامی، زمینه‌سازی حکومت حضرت مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف است و آماده شدن عملی برای ظهور، از جمله تکالیف منتظران واقعی و از مأموریت‌های دولت زمینه‌ساز ظهور است. (پورسید آقایی، ۱۳۹۵، ص۳۳۳)

نتیجه‌گیری

در جهان‌بینی اسلامی، خانواده، گروهی متشکل از افراد است که دارای شخصیت مدنی، حقوقی و معنوی هستند. هسته اولیه خانواده را ازدواج مشروع زن و مرد تشکیل می‌دهد (عقد نکاح) و مسئولیت‌هایی برای طرفین ایجاد می‌کند. سلامت پیمان زناشویی، ضامنی برای سلامت کل جامعه و زمینه‌ای برای پیدایش بسیاری از کمالات فردی و اجتماعی است. حقوق خانواده، از موضوعات پراهمیتی است که مکتب وحیانی اسلام بر آن تأکید فراوان داشته است. احکامی که خداوند متعال در حقوق خانواده تشریع کرده، با طبیعت و فطرت بشر، تفاوت‌های حقوقی موجود در زن و مرد و با اهداف تربیتی اسلام، هماهنگ و سازگار است. تفاوت‌های حقوقی موجود در حقوق زن و مرد در اسلام، بر مبنای کلی اقتضائات طبیعی و اهداف تربیتی در نظام حکومتی اسلام استوار است. زن و مرد به لحاظ زیست‌شناختی و روان‌شناختی با یکدیگر تفاوت دارند. در اسلام، برتری یافتن برخی انسان‌ها بر دیگران، دو گونه است: یکی برتری در ساختار جسمی، فکری و استعدادهاست که این امر، سبب احساس نیاز به یکدیگر و خدمت به همدیگر است تا جامعه تشکیل شود و انسان نقشی در این برتری ندارد: ﴿رَفَعْنَا بَعْضَهُمْ فَوْقَ بَعْضٍ

دَرَجَاتٍ﴾. نوع دیگر برتری، آن است که خداوند بر اساس تلاش انسان عطا می‌کند؛ نظیر آیه: ﴿يَرْفَعِ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ﴾ (مجادله:۱۱) که خداوند کسانی را که به سراغ علم و ایمان رفتند برتری می‌دهد. خدای حکیم خود، تفاوت‌هایی در ساختار جسمی، فکری و استعدادهای افراد قرار داده تا مردم به یکدیگر احساس نیاز کنند و با کمك به یکدیگر، در سایه اجتماع، رشد کنند: ﴿رَفَعْنَا بَعْضَهُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ﴾ (زخرف:۳۲). جامعه پایدار و اقتصاد سالم، وابسته به تعاون و بهره‌گیری از توان نیروهای مختلف انسانی دارد: ﴿لِيَتَّخِذَ بَعْضُهُمْ بَعْضًا سُخْرِيًّا﴾. (آیه ۳۲ سوره زخرف)

قواعد نظام حقوقی اسلام به گونه‌ای طراحی شده است که بتواند اهداف نظام حقوقی، اخلاقی، اقتصادی و سیاسی مورد نظر اسلام را محقق سازد. مجموعه نظام‌مند (موسی زاده، مصطفی زاده، ۱۳۸۹) اسلام، دارای اهداف تربیتی متعالی است و به گونه‌ای طراحی شده است که بتواند اهدافش را محقق نماید. هریک از اجزای آن، مانند حلقه‌های یک زنجیر، به قبل و بعد از خود در رسیدن به هدف متعالی تربیتی، مرتبط است.

مجموعه اهداف تربیتی که برای تشریع احکام در قرآن کریم بیان شده، در یک رابطه طولی، به «اولی»، «میانی» و «نهایی» طبقه‌بندی می‌شوند. هدف مستقیم و اولیه تشریع احکام، بسط عدالت (حدید:۲۵) در همه ابعاد زندگی انسان است. هدف متوسط و میانی تشریع احکام اسلام، رفع موانع رشد و باز کردن راه تکامل معنوی بشر است. این مطلب، از آیه ۱۵۷ سوره مبارکه اعراف قابل استنباط است. هدف نهایی تشریع احکام اسلام نیز رسیدن انسان به «قرب الهی» است. خداوند در آیه ۹ سوره مبارکه حدید می‌فرماید: ﴿هُوَ الَّذِي يُنَزِّلُ عَلَى عَبْدِهِ آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ لِيُخْرِجَكُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَإِنَّ اللَّهَ بِكُمْ لَرَءُوفٌ رَحِيمٌ﴾؛ «اوست خدایی که بر بنده خود (محمّد مصطفی ﷺ) آیات قرآن روشن‌بیان را نازل می‌کند تا شما را از ظلمات (جهل و عصیان) بیرون آرد و به نور (علم و ایمان) رهبری کند و خدا بسیار در حق شما مشفق و مهربان است».

بـر اسـاس آیـه ۳۵ سـوره نور، مقصـود از نور، خـدای متعال اسـت. اهداف سـه‌گانه مذکـور، بـا یکدیگر رابطه طولی دارند؛ یعنی اجرای احکام الهی، عدالت را می‌گسـتراند و در صورت گسـترش عدالت، موانع رشـد از سـر راه بشـر برداشـته می‌شـود و در چنین شـرایطی، کسـانی کـه طالب قـرب الهی‌انـد، می‌تواننـد بـه حرکت تکاملی خود سـرعت ببخشـند (هدایت‌نیـا، ۱۳۹۵، ص۱۳۶ـ ۱۳۷). اهـداف تربیتـی اسـلام، در چگونگـی تشـریع احکام اجتماعی و نظام حقوقی و اقتصادی اثر گذاشته است.

دولت اسـلامی عقلاً و شـرعاً در مقابل سـعادت حقیقی افراد جامعه، مسـئول بوده و هدایت افراد به سـمت سـعادت حقیقی، حکم اولیه دولت اسـت و چون خانواده در تربیـت و سـعادت حقیقـی افراد نقش فـراوان دارد، لذا دولت اسـلامی موظف اسـت با توجـه بـه قاعده تحکیـم نظام و ضـرورت اجرای احکام شـرعی، به‌ویژه اجـرای تکلیف امربه‌معروف و نهی‌ازمنکر، به گونه‌ای سیاسـت‌گذاری کند تا زمینه رشـد و تحکیم این نظام ارزشـی ایجاد شـود و زمینه حکومت حضرت مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف مهیا گردد. بر پایه ادله فقهـی، دولـت اسـلامی واجـب اسـت که مقدمـات تحکیـم خانـواده را آماده کنـد؛ زیرا آماده‌سـازی لـوازم تحکیـم خانـواده، به طور گسـترده، باعـث دفع ضرر فحشـا از جامعه اسلامی و تحکیم نظام می‌شود. وجوب مهیا کردن مقدمات، از لزوم دفع ضرر گسترش فحشا در جامعه، استنباط می‌گردد.

دولت اسلامی باید با ایجاد نهادهای تخصصی در زمینه حل مشکلات اقتصادی خانواده، فرهنگ متناسب با آموزه‌های اسلامی را در جامعه گسترش دهد. همچنین در تقنین و اصلاح قوانین در راستای تحکیم و حل مشکلات اقتصادی خانواده، متناسب بـا آموزه‌هـای اسـلامی تـلاش کند تـا آسـیب‌های احتمالـی به حداقـل برسـد. مهم‌ترین سـرفصل‌های وظایـف دولت در امـر برنامه‌ریزی برای رفع مشـکلات اقتصادی خانواده متناسـب با آموزه‌های اسـلامی عبارتند از: هماهنگی نظام آموزشـی با نظام اقتصادی، تدوین نظام آموزشی و مهارتی خانواده‌محور در سطوح مختلف، مهارت‌افزایی اعضای

خانواده از طریق رسانه‌های جمعی، ایجاد زیرساخت‌های اقتصادی، فرهنگ‌سازی دستیابی به رزق حلال از طریق رسانه‌ها و فرا رسانه‌های جمعی، اجرای عدالت اجتماعی به‌منظور زمینه‌سازی درآمدزایی کارآمدتر، ترویج فرهنگ نوع‌دوستی، همدلی (ترویج منفعت عامه بر منفعت شخصی)، سیاست‌گذاری متناسب با آموزه‌های اسلامی در حوزه اشتغال زنان با توجه به اصل اقتدار مدیریتی مردان در نظام خانواده، تشکیل مراکز تخصصی، پژوهشی متشکل از اساتید حوزه و دانشگاه به‌منظور تفحصص و یافتن راهکار برای درآمدزایی مؤثر و کارآمدتر، فرهنگ‌سازی الگوی مصرف متناسب با آموزه‌های اسلامی و اتخاذ تدابیر مناسب برای نظارت بر حسن اجرای قوانین به‌منظور رفع مشکلات اقتصادی خانواده.

محدودیت‌های مطالعه

از عمده‌ترین ارکان تحقیق و پژوهش، دسترسی به آمار و اطلاعات کامل است. در این زمینه مشکلاتی وجود داشت که موجب شد، دسترسی به کتب، مجلات، آمار، بانک‌های اطلاعاتی و... در کشور به راحتی به طور کامل، ممکن نباشد.

از سوی دیگر متغییرهای ناخواسته که ممکن است نتایج پژوهش‌ها را تحت تأثیر قرار دهد در این پژوهش نیز وجود داشت. اما سعی نویسندگان مطالعه، بر آن بود که این عوامل را حد الامکان پیش‌بینی، شناسایی و تمام احتیاط‌های لازم را به منظور کاهش آنها بکار ببرند.

پیشنهادات

مسئولیت دولت اسلامی در قبال نظام خانواده، با توجه به اهمیت این نظام ارزشی در اسلام، نیاز به مطالعات بسیار عمیق‌تر از لحاظ کمّی و کیفی دارد. لذا از تمام محققان علاقمند دراین‌زمینه درخواست می‌شود در این موضوع، تحقیقات بیشتری انجام دهند.

فهرست منابع

۱. **قرآن کریم** (۱۳۸۰ش)، ترجمه: مهدی الهی قمشه‌ای، قم: فاطمه الزهرا علیها السلام.

۲. **نهج البلاغه**، سید رضی، شرح صبحی صالح، (۱۳۶۵) ، قم: مرکز البحوث الاسلامیه.

الف) کتاب

۳. ابن کثیر دمشقی، اسماعیل بن عمرو (۱۴۱۹)، **تفسیر القرآن العظیم** (ابن کثیر)، بیروت: دار الکتب العلمیة.

۴. استربرگ، کریستین جی (۱۳۸۴ش)، **روش‌های تحقیق کیفی در علوم اجتماعی**، ترجمه: احمد احمدپور و علی شماعی، یزد: دانشگاه یزد.

۵. برقی، احمد بن محمد بن خالد (۱۴۱۶ ق)، **المحاسن**، تهران: المجمع العالمی لاهل البیت علیهم السلام.

۶. پاینده، ابوالقاسم (۱۳۲۴ش)، **نهج الفصاحه**، تهران: سازمان انتشارات بدرقه جاویدان.

۷. پورسیدآقایی، مسعود (۱۳۹۵ش)، **مهدویت و رهیافت تمدنی**، تهران: انتشارات امام صادق علیه السلام.

۸. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۲ش)، **مفاتیح الحیاة**، قم: مرکز نشر اسراء.

۹. ـــــــــ (۱۳۹۸ش)، **زن در آیینه جلال و جمال**، قم: مرکز نشر اسراء.

۱۰. حر عاملی، محمدبن حسن (۱۴۱۴ق)، **وسائل الشیعه**، قم: مؤسسة آل البیت علیهم السلام لإحیاء التراث.

۱۱. حق‌شناس، سید جعفر (۱۳۸۸ش)، **آسیب‌شناسی خانواده**، تهران: نهاد ریاست جمهوری، مرکز امور زنان و خانواده.

۱۲. حلی، محقق، نجم الدین جعفر بن حسن، (۱۴۰۸ ق)، **شرائع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام**، بی‌نا، بی‌جا.

۱۳. حَرّانی، ابن شُعبه، (۱۳۶۲و۱۳۸۲ ش) **تحف العقول**، قم: آل علی علیهم السلام.

۱۴. خمینی، روح‌الله، (۱۳۸۷ ش) **تحریر الوسیلة**، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمه الله.

۱۵. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق)، **المفردات الفاظ القرآن**، بیروت: دار الشامیه.

۱۶. راوندی، قطب‌الدین سعیدبن عبدالله بن حسین (قطب راوندی) (۱۴۰۵ ق)، **فقه القرآن**، قم: کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی.

۱۷. ستوده، هدایت‌الله (۱۳۹۸ش)، **آسیب‌شناسی اجتماعی**، تهران: آوای نور.
۱۸. شهید ثانی، زین‌الدین بن علی بن مشرف عاملی (۱۴۱۶ق)، **مسالک الافهام الی تنقیح شرائع الاسلام**، قم: موسسه المعارف الاسلامیه.
۱۹. صدوق (ابو جعفر محمد بن علي بن بابويه القمي)، (۱۴۱۳ ق)، **من لایحضره الفقیه**، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم
۲۰. طباطبائی یزدی، سیدمحمدکاظم، (۱۴۰۹ ق)، **العروة الوثقي**، بیروت:مؤسسة الأعلمي للمطبوعات.
۲۱. طبرسی، ابوعلی فضل بن حسن (۱۴۱۲ ق)، **مجمع البیان فی تفسیر القرآن**، بیروت: دار المعرفة.
۲۲. طوسی محمدبن حسن (۱۳۸۸ ش)، **الخلاف فی الاحکام**، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۲۳. فرید، مرتضی (۱۳۷۴ش)، **الحدیث، روایات تربیتی از مکتب اهلبیت** علیهم‌السلام، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی ناشر آثار معارف اسلامی و علوم دینی.
۲۴. فلیک، اووه (۱۳۸۷ش)، **درآمدی بر تحقیق کیفی**، ترجمه: هادی جلیلی، تهران: نشر نی.
۲۵. قرائتی، محسن (۱۳۸۳ش)، **تفسیر نور**، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
۲۶. ـــــــــ (۱۳۸۵)، **تفسیر نور**، تهران: درس‌هایی از قرآن.
۲۷. قمی، شیخ عباس (۱۳۴۴ ق)، **سفینه البحار و مدینه الحکم**، قم: دار الاسوه.
۲۸. کلینی، محمدبن یعقوب (۱۳۸۵ ش)، **اصول الکافی**، ترجمه: صادق حسن زاده، تهران: قائم آل محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله.
۲۹. مارشال، کاترین و گرچن، راس من (۱۳۷۷ش)، **روش‌های تحقیق کیفی**، ترجمه: علی پارسایان و محمد اعرابی، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
۳۰. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق)، **بحار الانوار**، بیروت: دار إحیاء التراث العربی.
۳۱. محدث نوری، (۱۴۰۸ ق)، **مستدرک الوسائل**، چ اول، بیروت: مؤسسه آل البیت علیهم‌السلام.
۳۲. مدرسی، سید محمد تقی (۱۴۱۹)، **من هدی القرآن**، تهران: دار محبی الحسین.
۳۳. مصلحی، حیدر، سجادی، احمد، (۱۳۹۲ ش)، **مدیریت و امنیت**، اصفهان: مرکز تحقیقات رایانه‌ای.

۳۴. مطهری، مرتضی (۱۳۸۰ش)، **مجموعه آثار**، تهران: انتشارات صدرا.
۳۵. ـــــــــ (۱۳۸۵ش)، **مقدمه‌ای بر جهان بینی اسلامی (۳)؛ وحی و نبوت**، تهران: صدرا.
۳۶. مغنیه، محمد جواد (۱۴۲۴)، **الکاشف**، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
۳۷. مقداد بن عبدالله سیوری حلی معروف به فاضل مقداد، (۱۴۲۲ق)، **کنزُ الْعِرْفان فی فِقْه القُرْآن**، قم: نوید اسلام، موسسه انتشاراتی کتاب عقیق.
۳۸. مقیمی، سید محمد (۱۳۹۴ش)، **اصول ومبانی مدیریت از دیدگاه اسلام**، تهران: انتشارات راه دان.
۳۹. ملکی، حسن (۱۳۹۰ش)، **مدیریت و برنامه ریزی امور خانواده**، زنجان: دانش زنجان.
۴۰. موسوی گلپایگانی، سید محمدرضا (۱۴۳۲ق)، **تألیف علی الحسینی المیلانی، کتاب القضاء و الشهادات**، قم: انتشارات مرکز الحقایق الاسلامیه.
۴۱. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴ ش)، **تفسیر نمونه**، تهران: دار الکتب الإسلامیه.
۴۲. ـــــــــ (۱۳۸۵ش)، **کتاب النکاح**، قم: مدرسه الامام علی بن ابی طالب علیه‌السلام.
۴۳. ـــــــــ (۱۳۸۹ ش)، **ده درس عدل الهی**، قم: نسل جوان.
۴۴. نجفی، محمدحسن، (۱۴۳۰ ق)، **جواهر الکلام في شرح شرائع الاسلام**، بیروت: دارالحیاء التراث العربي.
۴۵. نراقی، احمدبن محمدمهدی (۱۳۷۵ ش)، **عوائد الایام فی بیان قواعد الاحکام**، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
۴۶. نراقی، ملامهدی (۱۴۰۸ق)، **جامع السعادات**، مقدمه: شیخ محمدرضا مظفر، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
۴۷. هدایت نیا گنجی، فرج الله (۱۳۹۵ش)، **الگوی سوم (الگوی رفتاری زن در خانواده و جامعه)**، تهران: لشکر فرشتگان.

ب) مقالات

۱. حسینی، سید حسن و عزیزی، مینا (۱۴۳۷ق)، «بررسی قوانین و سیاست‌های حمایت از خانواده در دوران پس از انقلاب اسلامی ایران»، نشریه **مطالعات زن و خانواده**، دوره ۴، ش ۱، ۴ (۱)، ص ۷ ـ ۳۴.

۲. خلیلیان اشکذری، محمدجواد (۱۳۸۰ش)، «اصول اقتصادی قانون اساسی با نگاهی به توسعه پایدار»، **معرفت اردیبهشت**، ش ۴۱.

۳. خلیلیان اشکذری، محمدجمال (۲۰۰۷)، «شاخص‌های توسعه انسان محور در جامعه مطلوب و آرمانی اسلام». **اقتصاد اسلامی**، ۲۸ (۷)، ص ۶۱ ـ ۸۷.

۴. زینالو، علی احمدی، نریمان. (۲۰۱۹). «بررسی عوامل بروز تعارض منافع در نمایندگان مجلس شورای اسلامی». **سیاستگذاری عمومی**، ۵(۲)، ص ۹۹ ـ ۱۱۷

۵. سرآبادی تفرشی، حسین و پیغامی، عادل (۱۳۹۶ش)، «تبیین مفهومی نظریه عدالت اجتماعی در اندیشه شهید صدر»، **پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی**، دوره ۲۲، ش ۸۶.

۶. شیخی مهرآبادی، علی (۱۳۸۶)، «نقش دولت در اقتصاد اسلامی و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران»، ش ۱۱۶.

۷. علی دوست، ابوالقاسم و ساجدی، مهدی (۲۰۱۲م)، «بررسی فقهی اطاعت زوجه از زوج»، **حقوق اسلامی**، دوره ۸ ش ۲۹، ۸(۲۹)، ص ۷ ـ ۳۱.

۸. مقدادی، محمد مهدی (بهمن ۱۳۸۱)، **ریاست مرد در رابطه زوجیت**، نامه مفید، ش ۳۳.

۹. موسی زاده ابراهیم، مصطفی زاده فهیم (۱۳۸۹)، «بررسی مقایسه ای رویکرد حکومت اسلامی و نظام غربی به حقوق اجتماعی».

۱۰. کرمی، فیروزه. (۱۳۹۵). «ابعاد مسئولیت فرهنگی دولت اسلامی در مدیریت حوزه اشتغال زنان». **مدیریت فرهنگی**، ۹(۳۰)، ص ۱۵ ـ ۳۱.